

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۸۰۵
پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۱۸ محرم ۱۴۰۱ ، بها : ۱۵ ریال

ستم به خلق عراق ، تجاوز به خلق ایران : دوروی یکسکه

زمانیکه لشکریان رژیم جنایتکار صدام حسین از مرز ایران عبور کردند و آبهای اروندرود را با خون فرزندان دلیر انقلاب ایران، کلکون ساختند، خرمشهر را به خونین شهر بدل کردند و در خاک کردستان، جویهای خون براف انداختند، در هنگامیکه صدام حسین با یاری مزدوران ایرانی خویش، یکی پس از دیگری و از همان روزهای پیروزی

سازش با امپریالیسم و بازگشت به قفس اسارت خلق، امر غیرمنتظره ای نبود. ولی غیرمنتظره و تاسف آواراست اگر گروهها، نیروها و افرادی که بر حسب زادگاه اجتماعی و سوابق مبارزاتی و سرشت مردمی خود اصولا باید در سنگر خلق باشند، در این گرد و خاک «ایوای آزادی» راه را گم کنند و یکوقت چشم بازکنند و خودرادر کنار لیبرالها ببینند. و برآب تاسف آوری خواهد بود
بقیه در صفحه ۲

در دفاع از آزادی، به دام لیبرال هانیفتیم

اسلامی ایران قرار بگیرد، به میدان آمدن لیبرالها با تمام زرادخانه، بمثابة نمایندگان سیاسی و فکری سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری و طرفداران

در دوران دشواری که رژیم جنایتکار صدام به اشاره و حمایت امپریالیسم جهانی، بسر کردگی آمریکا، بکشور ما حمله کرده و انواع مشکلات موروث رژیم مغفور طاغوت و مولود خرابکاری ضد-انقلاب و جنگ تحمیلی دامنگیر مین ما شده و انقلاب و نظام انقلابی ما در خطر قرار گرفته، در چنین اوضاع و احوالی که هر ایرانی واقعا انقلابی و مین دوست باید مسائل فرعی را کنار بگذارد و یکدل و یکجان در صف دفاع از انقلاب و جمهوری

در ادامه جنگ عادلانه با مزدوران صدام

نیروهای انقلاب ضربات شکننده ای بر دشمن متجاوز وارد آوردند

مزدوران صدام تا چندین کیلومتری حاشیه چاده آبادان - ماه شهر عقب نشینی کردند. در عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، مخازن پتروئید هواپیمای دشمن با ظرفیت ۱ میلیون بشکه به آتش کشیده شد.

راکن حامل مهمات و ۹ مخزن بنزین هواپیمای به ظرفیت بیش از یک میلیون بشکه همراه با تلبه خانه های مربوطه، انبارهای تدارکاتی پایگاه و تعدادی هواپیمای نظامی که در روی باند پارک شده بود بکلی منهدم شد. به یکی از پایگاههای غرب سلیانیه نیز حمله شد، و انبار حمله به پایگاه کرکوک، تعدادی

خودروهای نظامی و ماشین آلات سنگین راه سازی نظامی و ساختمان های نظامی دشمن منهدم و تخریب شد. در حمله به پادگان صلاح الدین در شمال شرقی اربیل یک چادر بزرگ که در داخل آن هلی کوپترهای عراقی استوار شده بود منهدم شد. در حمله به پایگاه کرکوک، تعدادی

رزمندگان مدافع جمهوری اسلامی ایران نبرد بی امان خود علیه مزدوران صدام را در تمام جبهه ها ادامه می دهند. در همین زمینه، صدای جمهوری اسلامی ایران گزارش داد، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای فعالیت های خلبانان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را به این شرح اعلام کرده است:

الف: عملیات برون مرزی
در حمله به تاسیسات فرودگاه «سرسین» در شمال عراق نیمی از تاسیسات و تعداد زیادی از

تحکیم مبانی همکاری ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری به استحکام بین المللی ایران کمک می کند

خاک مصر راه تکیه گاهی برای تجاوزگری علیه کشورهای عرب و ایران مبدل سازد. مفسر رادیوسکو، در پایان، می افزاید: «تحکیم مبانی همکاری ایران با این کشورها به استحکام موضع بین المللی ایران کمک موثر می کند، موجب افزایش قدرت آن برای دفع دسایس امپریالیسم و صهیونیسم میشود. در عین حال، این امر مواضع نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی را در منطقه مهم جهان، مانند منطقه خاور نزدیک و میانه، بطور کلی تقویت می بخشد.»

دشمن عمومی خود تشریک مساعی کنند. باید گفت که بویژه کشورهای عضو «جبهه پایداری»، با متانت و یگیرانه از سیاست مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم پیروی میکنند و آماده اند دیگر کشورها را، که مبارزه علیه همان دشمنان مشغولند، مورد پشتیبانی قرار دهند. اعضای «جبهه پایداری» همچنین بنحوی مستمر علیه سیاست تسلیم آمیز سادات و خوش رقصی وی در برابر واشنگتن و تل آویو اقدام می کنند، زیرا چنین روشی باعث میشود که امپریالیسم امریکا

رادیو مسکو در بخش فارسی خود در روز ۴ آذر ۵۹ در برنامه «در جهان امروز»، تفسیر مهمی زیر عنوان «مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم» پخش کرد. در این تفسیر، ضمن اشاره به سفر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، به برخی از کشورهای عضو جبهه پایداری عرب، از جمله، چنین گفته شده است: «مطلب بر سر چشم انداز همکاری گسترده و نزدیک میان ایران و کشورهای عرب عضو جبهه پایداری در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم است. باید متذکر شد که برای برقراری یک چنین همکاری امکانات بسیار مساعدی وجود دارد.»

امپریالیسم و صهیونیسم دشمن عمومی مردم ایران و ملت های کشورهای عرب هستند. امپریالیسم، با اتکا به نیروهای مسلح خود مستقر در خاور نزدیک و میانه، که به تعدادشان افزوده است و با اتکا به اسرائیل و رژیم خائن سادات تلاش میکند، نه تنها کشورهای منطقه عربی خاور میانه، بلکه ایران را نیز تحت نظارت نواستعمارگرانه خود درآورد. در چنین شرایطی سیر حوادث ایجاب میکند که ملت های ایران و کشورهای عرب برای مبارزه علیه

اطلاعیه سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان:

سازمان جاسوسی ضیاء الحق، پزشک پاکستانی را که برای کمک به مصدومان جنگ به ایران می آمدند دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد

آیا جز این است که حکومت آمریکائی ضیاء الحق بطور غیر مستقیم، بدستور از باب جنایتکارش کارتر به یاری صدام شتافته است؟

خبر شدند گروهی از دانشجویان پاکستانی را، که برای کمک به مصدومین جنگ به ایران می آمدند، دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد. این پزشک هنگامی که با

دولت پاکستان ۵ پزشک پاکستانی را، که برای کمک به مصدومین جنگ به ایران می آمدند، دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد. این پزشک هنگامی که با

دولت پاکستان ۵ پزشک پاکستانی را، که برای کمک به مصدومین جنگ به ایران می آمدند، دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد. این پزشک هنگامی که با

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مجلس سوریه گفت:

این جنگ در اثر به خطر افتادن منافع آمریکا و صدام است

محمود حدید، رئیس مجلس سوریه:

ملت و دولت سوریه همیشه در کنار انقلاب اسلامی ایران خواهند بود

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در دیدار خود از سوریه، در مجلس این کشور حضور یافت و در جلسه علنی مجلس، مواضع جمهوری اسلامی ایران را برای نمایندگان تشریح کرد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، از جمله گفت: «متاسف در این شرایط که لازم بود در چنین جلسهای درباره میزان کیفیات جنگ با اسرائیل و آمریکا بحث کنیم مقداری از وقت خود را مصرف جنگ میان دو کشور اسلامی کنیم. وی سپس به تشریح عوامل بروز جنگ عراق با ایران پرداخت و گفت: «چرا صدام این جنگ را با شاه شروع نکرد؟ مگر شاه معدوم چه چیزی

بقیه در صفحه ۲

آیت الله دکتر بهشتی:

جنگ ایران و عراق جنگ با امپریالیسم جهانی است

نظریات آیت الله دکتر بهشتی در مورد راه های مقابله با توطئه های دیگر امپریالیسم آمریکا دولت باید با استفاده از کارشناسان دلسوز برنامه های دراز مدت انقلابی به مورد اجرا گذارد.

دیگر توطئه های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران به لزوم ارائه برنامه های دراز مدت برای نو سازی جامعه ایران و فاعلتر شدن سیاست خارجی ایران اشاره کرد. آیت الله دکتر بهشتی در مورد جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه انقلاب ایران ضمن تاکید

دیگر توطئه های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران به لزوم ارائه برنامه های دراز مدت برای نو سازی جامعه ایران و فاعلتر شدن سیاست خارجی ایران اشاره کرد. آیت الله دکتر بهشتی در مورد جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه انقلاب ایران ضمن تاکید

آیت الله دکتر بهشتی در مورد دیوانه های کشور دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن اشاره به جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه انقلاب ایران تاکید کرد که: «این جنگ، جنگ با امپریالیسم جهانی است. وی همچنین در مورد چگونگی مقابله در برابر

نیکاراگوئه مستقل و آزاد

مصاحبه ای با توماس بورخه مارتینز، وزیر کشور نیکاراگوئه و عضو «رهبری ملی جبهه ساندینیست برای آزادی ملی»
صفحه ۲

کارگران ارج به وظایف انقلابی خود عمل می کنند!

روستای کاجان در نزدیکی تهران
گذری به روستا - صفحه ۵

در صفحات بعد

«پرسش و پاسخ»
نورالدین کیانوری
بررسی مسائل
مهرم روز
صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دولت ژاپن: دوست آمریکا در منطقه خلیج فارس

پس از آغاز جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت کارتر، به بهانه آنکه عبور آزاد کشتی‌های بین‌المللی از تنگه هرمز در خطر است، کشورهای غربی، از جمله ژاپن، را فرا خواند تا مشترکاً ناوگان برای تأمین آزادی کشتی‌رانی به منطقه خلیج فارس گسیل دارند.

علیرغم این واقعت که دولت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از شروع جنگ اعلام داشته بود، که قصد بستن تنگه هرمز را ندارد، دولت آمریکا بدین ترتیب می‌خواست که، از یکسو، بر تمرکز بی‌سابقه نیروهای دریایی خود در خلیج فارس دوباره بیافزاید و، از سوی دیگر، همقطران امریالیستی خویش را نیز پیش از پیش در ماجراجویی‌های خود در منطقه شرکت دهد.

دولت ژاپن در برابر اعتراض برخی از نمایندگان «دیت» (پارلمان ژاپن)، مبنی بر مغایرت شرکت ژاپن در این «ناوگان بین‌المللی» با قانون اساسی آن کشور، از زبان مدیر «دایره آمریکای شمالی» وزارت خارجه ژاپن، در پارلمان اعلام داشت: «شرکت ژاپن در تأمین مالی ناوگان بین‌المللی با قانون اساسی ما مبادیبتی ندارد» (۳۰ مهر ۱۳۵۹).

یکروز پیش از آن، مدیرکل «دایره دفاع» اعلام کرده بود:

«برای نیروهای دفاع از خود ژاپن، دفاع از آبراه‌های دور چندان آسان نیست. لیکن ما این موضوع را از جهات گوناگون بررسی میکنیم. از جمله باید همکاری با کشورهای دوست و شرکت در هزینه‌های آنها را در نظر داشت.»

روزنامه «آکاهاتا» (ارگان حزب کمونیست ژاپن)، با اشاره به گفته‌های بالا، در سرمقاله‌ای (۲ آبان ۱۳۵۹) زیر عنوان «تجدیدنظر نامحدود در قانون اساسی از طریق سوء تعبیر»، نوشت:

«ما هیچگاه نمیتوانیم چنین اظهاراتی را نادیده بگیریم. حتی خود دولت لیبرال دمکرات هم تاکنون ادعا نداشت که مفاد قانون اساسی، «دفاع» از مناطق دور دست را نیز دربر میگیرد. چنین ادعایی حتی از حدود «قرارداد امنیت ژاپن - ایالات متحده» هم متجاوز است.»

«آکاهاتا» هشدار داد که ظاهراً دولت قصد دارد با این سوء تعبیرها «مقدمات تجدیدنظر در قانون اساسی و «قرارداد امنیت» را فراهم آورد.»

در این زمان که امریالیسم آمریکا بخشی از توطئه بین‌اندازی علیه جمهوری اسلامی ایران را از راه حضور نظامی خود و متحدینش در خلیج فارس و آبهای نزدیک به آن به انجام میرساند، موضع‌گیری کمونیست‌های ژاپنی حمایتی است از نبرد مردم ایران و از انقلاب ما، که درگیر جنگ تحمیلی امریالیستی آمریکا - صدام است.

این جنگ در اثر...

بقیه از صفحه ۱
داشت که حکومت جمهوری اسلامی ندارد؟ اگر کمی بیندیشیم و ببینیم با پیروزی انقلاب اسلامی چه چیزی در ایران آغاز شده است، جواب این سؤال را در خواهیم یافت.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:

«شما میدانید که ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ما مرکز توطئه علیه کشورهای مرفی اسلامی مانند، سوریه، الجزایر، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین و تمام نهضت‌های آزادیبخش بود، ولی حکومت اسلامی با فرعون جدید مصر که توطئه آمریکایی-اسرائیلی آن جنایت بزرگ را علیه برادران مسلمان انجام داد و قطع رابطه کرد و درگیری انقلاب اسلامی با آمریکا نیاز به توضیح ندارد. هیچ کشوری مثل ما تاکنون پنجه در پنجه آمریکا نیانداخته و به حیثیت آن در جهان لطمه‌ای نزده است.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس گفت:

«پس چطور میشود صدام حسین که پادشاه خوب رفتار میکرد از همان ماه‌های اول انقلاب بر علیه ما به توطئه‌چینی دست بزند و بر علیه کشور اسلامی ما وارد جنگ شود، چطور شد که صدام و آمریکا و عمال آمریکا در منطقه علیه ایران متحد شدند؟ عوامل جنگ را باید در آنجا جستجو کرد، در به خطر افتادن منافع آمریکا در منطقه. چون دیگر نفت خلیج فارس آن تضمین را ندارد تا بهر قیمتی که آنها بخواهند به غرب برود پس این جنگ در اثر به خطر افتادن منافع آمریکا و صدام است و با به خطر افتادن منافع مشترک صدام و آمریکا و ارتجاع در منطقه تمام این نیروها در یک صف قرار گرفته و علیه انقلاب اسلامی فعالیت میکنند. آمریکا هرچه را که میتواند به صورت مخفی و آشکار در اختیار عراق گذاشته به صورتی که آواکس‌های آمریکایی در عربستان برفع عراق کار میکنند و اردن را شما ملت سوریه بهتر می‌شناسید که هیچوقت تاکنون برفع ملت مسلمان کاری انجام نداده است و اکنون علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت میکند. ستون تدارکات از بندر عقبه و کویت به عراق سرازیر میشود و لذا است که حمایت‌های آمریکا را به عراق در این جنگ بوضوح میتوان دید. شما در کدام جبهه فعالیت آمریکا را علیه یک کشور اینقدر صریح می‌بینید؟»

پیش از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس سوریه، آقای «محمود حدیده» طی سخنانی در مورد انقلاب ایران و دشمنان آن، گفت:

«ما امروز میزبان برادرانی هستیم که نماینده ملتی هستند که با شجاعت و شهامت طاغوتی را که حامی رژیم اشغالگر قدس و دشمن اعراب بود، از کشورشان بیرون رانند. ملتی که خود را در مبارزه با رژیم اشغالگر قدس با ما همسنگر میدانند و برای آزادی قدس اعلام جهاد نموده است و اکنون این ملت به دلیل مواضع سرسختانه‌اش در برابر امریالیسم و هم‌پیمانانش در منطقه مورد تعرض قرار گرفته است. ما بخوبی آگاهی داریم که آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی برای تضعیف انقلاب اسلامی ایران این جنگ را ترتیب داده‌اند چرا که بخوبی میدانند انقلاب اسلامی ایران از دشمنان سرسخت رژیم اشغالگر قدس میباشد.»

رئیس مجلس ملی سوریه همچنین تأکید کرد: «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بمثابة پیروزی بزرگ اعراب در مقابله با دشمنانشان بوده است.»

محمود حدیده رئیس مجلس ملی در پایان اظهار داشت: «ملت و دولت سوریه همیشه در کنار انقلاب اسلامی ایران خواهد بود و ما امیدواریم که ملت مسلمان و برادر ایران در جنگ خود با امریالیسم پیروز شوند.»

سیتم به...

بقیه از صفحه ۱

ها و سفاکیهای مزدوران صدامی به مقاومت و اعتراض برخاسته بودند. صدام حسین و کژمه‌های خونخوارش، پیش از ویران کردن خانه و کاشانه مردم کشور ما، خانه و کاشانه کردهای عراق را بر سرشان ویران ساخته بودند و میهن‌دوستان و آزادیخواهان عراق را روانه زندانها و شکنجه‌گاهها و میدان‌های اعدام کرده بودند.

سیاست داخلی یک رژیم با سیاست خارجی آن ارتباط لاینفک دارد. رژیم محمدرضای مغفورین در دوران اوج قدرت خویش، زمانی به ژاندارم منطقه پسدل گردید و لشکریان جنایتکار خویش را برای سرکوب میهن-دوستان و آزادیخواهان ظفار به کمک قیوس فرستاد، که در داخل و علیه مردم رنج‌دیده ایران، وحشیانه‌ترین و نفس‌گیرترین جو خفقان را پدید آورد و شکارچیان انسان را بر تمامی زوایای زندگی اجتماعی حاکم ساخته بود.

چرخش عراق در سیاست خارجی علیه کشورهای مرفی و انقلابی و در جهت هماهنگی با کشورهای

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

مهمات دشمن و تعدادی خودرو منهدم گردید. در حمله به مواضع موشک‌ساز و تیرمنابع نفتی در جنوب غربی کرکوک یک پاسگاه در همین ناحیه صد درصد نابود شد. در حمله به یک تلمبه‌خانه در غرب عراق و یک پل ارتباطی در این منطقه حدود ۵۰٪ خسارت وارد آمد. پالایشگاه الفتح عراق نیز مورد حمله قرار گرفت و خساراتی به آن وارد آمد. از میزان خسارات اطلاعات مشخصی در دست نیست. در محور علی غربی به کویته در شرق عراق به تعداد ۵ دستگاه کامیون حامل حدود ۱۰۰ کماندو و یک آشپزخانه صحرائی خساراتی وارد شد. همچنین تجمع دشمن در نوار مرزی شمال بصره مورد حمله قرار گرفت و تلفاتی به آنان وارد شد که میزان آن مشخص نشده است.

ب: عملیات درون مرزی

در محور حلفاییه - بسطام ۱۰ خودرو، نفرین و جیب و ۲ دستگاه تانک دشمن منهدم شد و به نیروهای دشمن در شمال غربی خسروآباد خساراتی وارد آمد. همچنین نیروهای متجاوز عراقی در شمال و شمال شرقی خونین‌شهر هدف گلوله‌های جنگنده‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند و خساراتی به آنان وارد آمد.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر گزارش داد، که ساعت ۱۱ پیروز بعداز ظهر در اثر حمله هواپیما-های عراقی به روستای سراب‌باغ در استان ایلام ۴ نفر از اهالی شهید و ۱۱ نفر مجروح شدند. همچنین در اثر پرتاب موشک ۳۲ خانه مسکونی در این روستا ویران شده است.

سختگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نیز گزارش داده است که گروهی از پاسداران رزمنده انقلاب با نفوذ به قلب دشمن و مین‌گذاری در مواضع و تجهیزات آنها موفق شدند ۲

ارتجاعی و دست‌نشانده، علیه جبهه پایداری و بسود رژیم‌های وابسته عرب، در زمانی رخ داد که این رژیم در داخل کشور نیز به یورش وحشیانه برای قلع و قمع نیروهای میهن‌دوست و آزادیخواه سرکوب مردم زحمتکش دست‌زده بود و برای تحکیم و تقویت موقعیت متزلزل خود، جبهه نیرو-های صدام‌پریالیست را مورد حمله قرار میداد و در جهت محسو-دمکراسی و خاموش کردن هر صدای حق‌طلبی گام برمیداشت.

نزدیکی رژیم صدام با رژیم دست‌نشانده شاه ملعون در ایران، که با توافقنامه ۱۹۷۵ رسمیت یافت، دست آنرا در سرکوب و کشتار کردهای آزادیخواه عراق باز گذارد و به صدام حسین امکان داد که اندک‌اندک تمامی قدرت را در دست خود متمرکز سازد و با سرکوب وحشیانه نیروهای میهن-دوست و آزادیخواه در داخل و ستم‌گیری ارتجاعی در سیاست خارجی، هدفهای خائنه خود را انبیش برسد.

رژیم صدام درست کمی پس از تیرباران ۳۱ کمونیست میهن‌دوست در عراق و در پی پیروزی انقلاب ایران، بر مداخلات خود در امور داخلی ایران بمنظور تضعیف جمهوری اسلامی ایران، افزود و بموازات گسترش اختناق در داخل کشور، این مداخلات را گسترده‌تر و آشکارتر ساخت.

صدام حسین تا آنجا به پیش رفت که حتی مخالفین خویش در رهبری حزب بعث عراق را نیز به جوخه تیرباران سپرد و همه مبارزان، اعم از کمونیست و بعضی و مسلمان را، تنها بدلیل مخالفت با سیاستهای ضد خلقی خویش مهدورالدم اعلام کرد.

تجاوز نظامی رژیم صدام حسین به ایران زمانی صورت گرفت که صدام حسین همچون رژیم شاه منور ایران هنگام یورش به انقلاب ظفار، در «اوج قدرت» و در واقع در انزوای کامل بسر می-برد از هیچ قسوتی علیه مبارزان

صدام را پهلکت رساندند.

دفتر مرکزی خبر به نقل از

یک مقام موق در ستاد جنگ آبادان گزارش داد، «چهار فرزند از هلی‌کوپترهای هوانیروز، از ساعت ۹:۳۰ صبح دیروز به مدت ۲ ساعت مواضع نیروهای متجاوز بعثی را در آنسوی بهمنشیر در هم کوبیدند». همین گزارش حاکیست پیش از ظهر دیروز ۲ فرزند از جنگنده‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن در خک عراق روبروی خسروآباد حمله کردند و آخرین خبرها از جبهه آبادان حاکیست که در اثر آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران دیروز یک تانک دشمن در جبهه آبادان منهدم شد.

خبرنگاران دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس نیز از ایلام گزارش دادند در نبرد شدید ۲۴ ساعت گذشته (۲ روز قبل) در جبهه‌های کانی‌سخت، شورشیرین، گیلان‌غرب، سومار و جبهه‌های دشت زهاب ادامه داشته است. بنابر همین گزارش در تمام مدت برتری آتش با نیروهای جمهوری اسلامی ایران بوده است. یک مقام آگاه نظامی نیز به خبرگزاری پارس در کرمانشاه گزارش داد، شب گذشته (سه‌شنبه شب) عمده

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

زیادی از مزدوران صدام در جبهه‌های کانی‌سخت، شورشیرین و گیلان‌غرب به هلاکت رسیدند و چندین موضع و سنگر آنان نابود شد. همین مقام افزود «در دشت زهاب بر اثر شدت آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و عملیات چریکی رزمندگان اسلام، قوای دشمن در چند موضع حساس عقب‌نشینی کرده است.»

و میهن‌دوستان و آزادیخواهان عراقی فروگذار نمیکرد.

پرتاب موشکهای مخرب زمین به زمین به شهرهای کشور ما و کشتار مردم بی‌دفاع و غیر نظامی مناطقی که جنایتکاران صدامی بر آن دست می‌یابند، اعمالی که حتی از نظر قوانین جنگ نیز، محکوم و مطرود است، ولی همچون دیگر قوانین جامعه بشری، توسط دشمنان بشریت همواره زیر پا لگدمال شده است، ادامه طبیعی بر خورد وحشیانه و جنایتکارانه رژیم صدام با میازان عراقی است، روی دیگر سکه اجرای روشهای قرون‌وسطایی علیه زندانیان سیاسی و آزادیخواهان و میهن‌دوستان ضد صدامی است.

اما صدام حسین نیز همچون تمامی دیکتاتورهای خونریز تاریخ، که تصور میکردند هرچه جویهای خون جوشانتر و هرچه گورستانها وسیعتر گردد، دوام عمر و قدرت آنها فزونی خواهد بود، بظن می‌رود. هم‌اکنون در عراق، که همچون دوران پاپائی

زندگی حکومت‌شاه ملعون، خون کمونیستها و مسلمانان در هم گره می‌خورند، جبهه مقاومت علیه این دیکتاتوری خون‌آشام گسترده‌تر میشود و ندای مرگ رژیم صدام را بر عراق می‌گسترانند. وقتی صدام حسین به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یورش می‌آورد و موشکهای ۹ متری خود را به سوی شهرهای کشور ما، پرتاب میکند، شاید همچون هیتلر، بهنگام فروختن آتش جنگ درم جهانی، می‌اندیشید: «وقتی پیروز شویم، کسی از ما سئوالی نخواهد کرد! اما او نیز مانند هیتلر و دیگر جانوران زائیده سرمایه‌داری، گورخود رامی‌کند. آن جنایات و آن فجایع هم‌اکنون نفرت افکار عمومی را علیه رژیم صدام برانگیخته است.»

سرنوشت صدام از سرنوشت محمدرضای منور و دیگر اسلاف این طایفه انسان‌نمای دشمن بشر، بهتر نخواهد بود.

وضع پل رازی رشت خطرناک است

وضع پل رازی، واقع در انتهای خیابان سردار جنگل رشت بسیار خطرناک است و از آنجا گنه روزانه تعداد زیادی دانش‌آموز و افراد متفرقه از روی این پل عبور می‌کنند، بر مسئولین امر است که هرچه زودتر نسبت به تعمیر آن اقدام کنند.

پل رازی، که در منطقه پسر رفت و آمدی قرار دارد، چندی پیش فروریخت، ولی خوشبختانه ریزش آن زمانی انجام گرفت که کسی در حال عبور از پل نبود. اکنون مدتی است که مسئولین به ساختن پل اقدام کرده‌اند. لیکن کار ساختمان پل به دلایل مختلف به کندی پیش می‌رود. از آنجا که در حال حاضر این پل را قطعاتی از تخته و چوب و سیخ بهم مربوط می‌سازد، و با این وجود روزانه تعداد زیادی از مردم بالاچار از روی آن عبور می‌کنند، بر مسئولین مربوطه است که هرچه زودتر پل مطمئنی در این محل احداث کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

مصاحبه‌ای با توماس بورخه مارتنز، وزیر کشور نیکاراگوئه و عضو رهبری ملی جنبه ساندینیست برای آزادی ملی

نیکاراگوئه مستقل و آزاد



خلقی که اسیر دیکتاتوری سوموزا بود

بورخه: ساندینیست‌ها از همه سازمان‌ها و کشورهایی که از آنها پیش از پیروزی انقلاب پشتیبانی می‌کردند، سپاسگزارند. ما میل داریم با همه کشورها و خلق‌هایی که به حاکمیت ملی ما احترام می‌گذارند و با پیکارمان در راه آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی همسنگی نشان می‌دهند، مناسبات دوستانه داشته باشیم.

های توده‌ای، مانند "کانون ساندینیست زحمتکشان"، را تشویق کنیم. برای پیشبرد این هدف، شرایط بسیار مساعد است. "کمیته هماهنگی سندیکاها" از پیشنهاد ما درباره ایجاد یک کانون واحد سندیکایی پشتیبانی می‌کند. ما همچنین برای فعالیت جوانان ساندینیست - ۱۹ ژوئیه و "اتحادیه کارگران روستایی" اهمیت فراوان قائل هستیم. چندی پیش اتحادیه کودکان ساندینیست نیز تاسیس یافت.

پروشن: در مطبوعات جهان، انقلاب نیکاراگوئه به گونه‌هایی بسیار مختلف ارزیابی می‌شود. نظر شما درباره ساندینیست‌ها چیست؟ بورخه: ما انقلاب نیکاراگوئه را به مثابه انقلابی دموکراتیک، ضد امپریالیستی و خلقی ارزیابی می‌کنیم. انقلاب ما به خودکامی پایان داد. در این انقلاب توده‌های وسیع خلق از طریق سازمان‌های اجتماعی شرکت کردند. کشور ما به استقلال سیاسی نایل شد و خلق ما اینک سرنوشت خویش را به دست گرفته است.

فعالان در راه صلح جهانی، تنش‌زدایی بین‌المللی و تصویب هرچه زودتر قرارداد "سالت ۲"، که بی‌شک به بهبود اوضاع بین‌المللی منجر خواهد شد، مبارزه می‌کنیم. برای جنبه ساندینیست برای آزادی ملی همزیستی مسالمت‌آمیز به هیچ‌روی به معنای قبول امپریالیسم و ستم اجتماعی نیست. ما معتقدیم که خلق‌ها حق آنرا دارند، تا با دست‌یاری به روش‌ها و اشکال گوناگون مبارزه، از جمله بیکارمسلحانه، در راه آزادی خود برزند. این ساندینیست‌ها بودند که جنگ بارتیزانی را علیه استبداد شروع کردند و صلح را استعرا بخشیدند. دیگر خلق‌های آمریکای لاتین نیز این توانایی را دارند که دستگاه اختناق طبقات استثمارگر را درهم‌شکنند و دموکراسی خلق را برقرار سازند. آنها نیز از این راه به صلح جهانی، تنش‌زدایی و نبرد ضد امپریالیستی کمک خواهند رساند.



خلقی که زیر رهبری ساندینیست‌ها آزاد شده است

امروزه ما وظیفه خود می‌دانیم که از قدرت انقلابی ساندینیست پاسداری کنیم و آنرا تحکیم بخشیم. برنامه اضطراری و بازسازی ۱۹۸۵ به سود خلق ("برنامه ۸۵") را جامعه عمل پوشانیم به تعمیق روند دگرگون‌سازی‌های ریشه‌ای بپردازیم، شرایط زندگی زحمتکشان را بهبود دهیم، بر افتخارات میهن خویش بیافزاییم و نمونه‌ای از مکرسی، عدالت و همسنگی باشیم. فزون بر این، ما خواهیم کوشید تا به استقلال ملی کامل دست یابیم، پیشرفت اقتصادی را شتاب بخشیم و به روزی خلق را فزون‌تر سازیم. انقلاب ساندینیستی، مانند هر انقلاب خلقی راستین و به عنوان تجلی قانونمندی - های تحول تاریخی، انقلابی است عمیقاً ملی. ما معتقدیم که تجربیاتمان در نبرد ضد امپریالیستی، در گذشته و در حال، و ابتکار انقلابی، شهرت و قهرمانی خلق ما، با اندیشه‌های آتوگوستو سزار ساندینو، میهن‌دوست‌ستار نیکاراگوئه، و کارلوس فونسکا آدامور، یکی از پایه‌گذاران جنبه ساندینیست برای آزادی ملی، که در سال ۱۹۷۶ در نبرد با یگان‌های "تنبیهی" سوموزا شهید شد، مطابقت دارد.

تردیدی نیست که جامعه ساندینیستی نقش سترگی در مقابله با نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و ایجاد شرایط مساعد برای شکوفایی روندهای انقلابی بازی خواهد کرد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نقشی بس پر اهمیت در تنش‌زدایی بین‌المللی و کمک سیاسی و مادی به کشورهایی ایفا کرده‌اند، که بقیه در صفحه ۶

در جهان سوسیالیسم

افزایش درآمد واقعی سرانه در کشورهای سوسیالیستی

در سالهای گذشته درآمد واقعی مردم کشورهای سوسیالیستی افزایش فراوان یافته است. در این زمینه، همچنین باید یادآور شد که در بیشتر این کشورها حداقل دستمزد نیز بالا رفته است. جدول زیر روند افزایش درآمد واقعی سرانه برخی از کشورهای سوسیالیستی را در دهه‌های اخیر نشان میدهد:

کشور	واحد پول	۱۳۳۹	۱۳۴۴	۱۳۴۹	۱۳۵۸
بلغارستان	لو	۷۸/۳	۹۲/۴	۱۲۴	۱۷۱
کوبا	پسو	-	-	۱۱۶	۱۳۸
لهستان	زلوتی	۱۵۶۰	۱۸۶۷	۲۲۲۵	۲۴۰۸
رومانی	لفو	۸۵۴	۱۱۱۵	۱۴۳۴	۲۰۹۵
اتحاد شوروی	روبل	۸۰/۶	۹۶/۵	۱۲۲	۱۵۵/۲
مجارستان	فورنیت	۱۵۵۲	۱۷۳۷	۲۱۵۲	۲۳۶۷
چکسلواکی	کرون	۱۳۶۵	۱۴۹۳	۱۹۳۷	۲۴۴۴

در جهان سرمایه‌داری

۲۰ میلیون بیکار در ۲۴ کشور سرمایه‌داری

شماره بیکاران در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اینک به ۲۰ میلیون رسیده است. انتظار می‌رود که این شماره در سال میلادی آینده به ۲۲ میلیون افزایش یابد. برپیش از هفت میلیون نفری، که هفت سال پیش در شش کشور پیشرفته سرمایه‌داری در جستجوی کار بودند، اینک ۶/۵ میلیون نفر دیگر اضافه شده‌اند.

در سیتا میر (۱۰ شهریورتا ۸ مهر) امسال شماره بیکاران جمهوری فدرال آلمان ۸۵ هزار بیشتر از ماه مشابه در سال پیش بود. در سه ماه گذشته به شماره بیکاران بریتانیا ۲۵ هزار افزوده شده است. در سیتا میر امسال بیش از ۸ میلیون نفر در آمریکا بیکار بودند. در ایتالیا شماره بیکاران به مرز ۲ میلیون نزدیک میشود، و در فرانسه و ژاپن به زودی بترتیب ۱/۵ و ۱ میلیون نفر بیکار خواهند بود.

جدول زیر اطلاعات بیشتری در این باره بدست میدهد:

شماره و درصد بیکاران در شش کشور پیشرفته سرمایه‌داری

کشور	شماره درصد	۱۳۵۲	شماره درصد	۱۳۵۸	شماره درصد	۱۳۵۹ (تاکنون)
جمهوری فدرال آلمان	۲۷۳۰۰۰	۱/۱	۸۷۰۰۰۰	۳/۸	۸۸۰۰۰۰	۳/۹
ژاپن	۶۶۴۰۰۰	۱/۱	۱۱۷۰۰۰۰	۲/۱	۱۱۳۴۰۰۰	۲/۰
ایالات متحده	۴۳۰۴۰۰۰	۴/۹	۵۹۶۳۰۰۰	۵/۸	۷۲۱۰۰۰۰	۷/۰
آمریکا	۱۰۵۵۰۰۰	۵/۵	۱۶۹۸۰۰۰	۷/۷	۱۶۲۹۰۰۰	۷/۴
ایتالیا	۶۳۰۰۰۰	۲/۷	۱۳۰۷۰۰۰	۵/۸	۱۵۲۲۰۰۰	۶/۲
بریتانیا	۳۹۴۰۰۰	۲/۰	۱۳۵۰۰۰۰	۷/۸	۱۳۹۳۰۰۰	۸/۱
فرانسه						

مشخص و پیشنهادهای سازنده و انتقادی سکنه را به آگاهی رهبری می‌رسانند. البته ما می‌کوشیم تا "ارتش ساندینیست خلق"، "میلیس ساندینیست خلق"، "پلیس ساندینیست ملی" و ارگان‌های امنیتی را نیز، که برای مقابله با جنایتکاران و دسیسه‌های ضد انقلابی پدید آمده‌اند، تحکیم بخشیم.

پروشن: برخی نیکاراگوئه‌شناسان معتقدند که کشور شما تنها هنگامی به دگرگون‌سازی‌های مترقی موفق خواهد شد که رهبری آن در گستره اقتصادی در قبال بورژوازی سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز را اختیار کند. نظر شما در این باره چیست؟

بورخه: ما به تجربیات آن بخش از بورژوازی نیازمندیم، که حاضر است به افزایش تولید کمک کند. اینجا مسئله "همزیستی" چندان مطرح نیست، بلکه صحبت بر سر ایجاد اقتصادی مختلط است، که ضرورت آن از شرایط ویژه کشور ما سرچشمه می‌گیرد. سیاست اقتصادی "جنبه ساندینیست برای آزادی ملی" ترکیبی از سه شکل مالکیت را پیشنهاد می‌کند: مالکیت خصوصی، مالکیت مختلط و مالکیت اجتماعی. مالکیت اجتماعی، یا آنچه که ما مالکیت خلقی می‌نامیم، بر پایه مصادره اموال سوموزا، همیالگی‌های او و بورژوازی‌فاسد و ملی کردن معادن، جنگل‌ها و منابع آب متعلق به شرکت‌های خارجی پدید آمده است.

پروشن: نیکاراگوئه جدید چه سیاست خارجی در پیش گرفته است؟

ساندینیست‌ها همواره کوشیده‌اند تا تجربه‌های انقلابی کشورهای دیگر را، که علیه امپریالیسم و برای براندازی استثمار انسان از انسان رزمیده و می‌رزمند، به‌طور جدی و به گونه‌ای متکرانه مطالعه کند. ما همواره آماده بوده‌ایم تا پیروزی‌ها و خطاهای انقلاب‌های پیشین و پدیده‌های اجتماعی گوناگونی را، که حتی کمترین فایده‌ای برای مبارزه ما می‌توانند داشت، مورد مطالعه قرار دهیم.

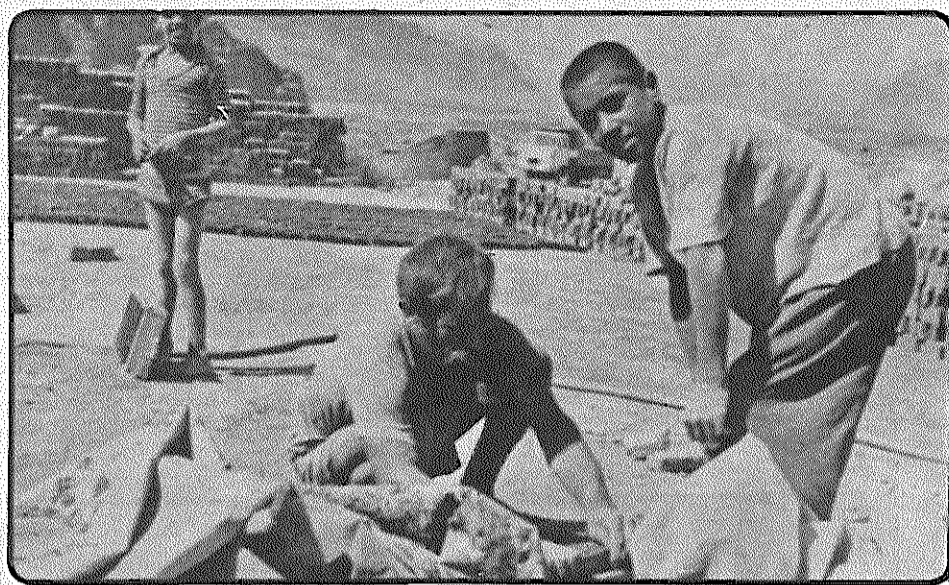
پروشن: در حال حاضر چه نیروهای سیاسی در نیکاراگوئه وجود دارد؟

بورخه: اکثریت مطلق خلق ما قاطعانه و باید گفت، با شور فراوان از "جنبه ساندینیست برای آزادی ملی" و رهبران آن پشتیبانی می‌کند. احزاب سنتی، از جمله احزاب محافظه‌کار و لیبرال، هرچند هنوز وجود دارند، ولی عملاً از صحنه سیاست ناپدید شده‌اند. برخی احزاب، مانند "حزب سوسیال مسیحی"، که نماینده اقلیت ناچیزی از مردم هستند، تنها از پشتیبانی محافل ارتجاعی بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این، نیروهایی هستند، که در گذشته جز "مخالفان سوموزا" به‌شمار می‌رفتند. در این زمینه باید از "حزب لیبرال مستقل" و "حزب سوسیال مسیحی خلق" نام برد. در مورد "حزب سوسیالیست نیکاراگوئه"، باید گفت که یکی از گروه‌های آن هم‌اکنون به "جنبه ساندینیست برای آزادی ملی" پیوسته است. گروهی دیگر نیز با رهبری "جنبه" در حال مذاکره است و به احتمال قوی به‌زودی به ما ملحق خواهد شد. از این گذشته سازمان‌هایی هم هستند (مانند "جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه") که به "جنبه ساندینیست برای آزادی ملی" انتقاداتی دارند. اما ما کوشش می‌کنیم که بر اختلافات موجود چیره شویم و، هر جا که امکان داشته باشد، از ائتلاف تاکتیکی به هم‌پیمانی استراتژیک نائل گردیم. هم‌اکنون می‌دانند که در کشور ما آزادی عقیده و ایمان حکمفرماست. تنها هواداران سوموزا و ضد انقلابیونی، که می‌خواهند ما را به گذشته بازگردانند، از این آزادی محرومند. دموکراسی ما نه مورانه است و نه دروغین، و در عین حال هیچ وجه مشترکی با دموکراسی "سوموزا" و همدست پاراگوئه‌ای او - "استروستر"، ندارد.

پروشن: جنبه ساندینیست برای آزادی ملی را تحکیم بخشیم و بر پایه آن، یک حزب پیشاهنگ انقلاب را، که رهبری سیاسی توده‌های خلق را به عهده گیرد، پایه گذاریم. ما همچنین بر آنیم که فعالیت سازمان-

در کوره پزخانه‌های اطراف خرم آباد لرستان

بی نصیب از هر چیز، اما امیدوار به انقلاب



اینجا هیچکس بیمه نیست

با توجه به گسترش فعالیت‌های ساختمانی در سطح کشور، کارگران کوره‌پزخانه‌ها، سهم‌بزرگی در راه‌اندازی کارگاه‌های ساختمانی و تامین مواد اولیه بخصوص آجر برای این کارگاه‌ها را به عهده دارند. ولی متأسفانه کمتر به مسائل آنان رسیدگی می‌شود. چرا که اکثر آن‌ها داشتن حقوق مکفی، بیمه، بازنشستگی و... بی بهره‌اند. یکی از وظایف دولت رسیدگی به وضع کوره‌پزخانه‌ها و همکاری با کارگران این کوره‌ها در جهت رفع مشکلات آنان است. در رابطه با این مسائل به دو کوره آجری در اطراف خرم آباد سرزدیم تا از نزدیک با مسائل آنها آشنا شویم:

کوره اول کوره‌ای است "دستی" که در آن ۹ نفر کار میکنند که از این تعداد ۳ نفر نزدیکان صاحب کوره و بقیه کارگران مزدبگیر هستند.

با یکی از کارگران که الله‌مراد کولینوند نام دارد به گفتگو نشستیم و از او خواستیم راجع به کارش برای ما بگوید: او درحالی که از فسرط خستگی نفس، نفس میزد بدون آنکه کار خود را قطع کند گفت: "کارمن خشت-زنی" است و هرروز همراه دو فرزندم

مزدی از صاحب کارگاه دریافت نمی‌کنند. کارگران دیگر این کوره روزانه بین ۱۵۰۰ الی ۹۰۰ ریال در ازای حدود ۱۲ ساعت کار دریافت میدارند. هیچ کدایم بیمه نیستند و از هیچ مکان رفاهی و بهداشتی استفاده نمی‌کنند، چون که اصلاً چنین امکاناتی چه در این محل وجه درجا‌های دیگر برای آنها وجود ندارد.

کوره دوم، کوره‌ای است در شمال غرب خرم‌آباد و از نوع کوره‌های موسوم به "فشاری" است. در این کوره حدود ۷۰ الی ۸۰ کارگر در شرایطی سخت و طاقت فرسا به کار مشغول هستند.

با کارگران که صحبت می‌کنیم اکثراً ضمن پشتیبانی از انقلاب خواهان رسیدگی به وضع خود از طرف مسئولین امور هستند. غلامرضا درمورد وضع خودش و انقلاب صحبت می‌کند: "من خشت زن هستم و هزاری کار می‌کنم یعنی برای هر هزاره ۹۰ تومان مزد می‌گیرم و ضمناً بیمه نیستیم و اگر حین کار صدمه ببینیم هیچ تا مینتی برای درمان نداریم. از هفت صبح تا غروب آفتاب بطور یکنواخت کار می‌کنیم و مزد روزانه هم کفاف زندگی را نمی‌دهد."

غلامرضا درمورد انقلاب می‌گوید: "ما از اینکه انقلاب کردیم و رژیم خونخوار پهلوی را از زمین بردیم خوشحالیم و خواست ما از دولت انقلابی تامین نیازهایی مستضعفین است." تنی سید احمد یکی دیگر از کارگران این کوره می‌گوید: "بیشتر مادران اینجا همیشه مریض هستیم و اصلاً به ما رسیدگی نمی‌کنند. بیمه نیستیم، مجبوریم با پول ناچیز خودمان به دکتر برویم. شورا یا سندیکا هم نداریم و بنابراین خواست‌هایمان همیشه نادیده گرفته می‌شود."

حسین یکی دیگر از کارگران ضمن کله‌بسیار از وضع کارش در کارگاه، سازشکاران با آمریکا را دشمن انقلاب می‌داند و می‌گوید: "سازشکاران را باید

به نامهای صادق و سلطان مراد از ساعت ۶ صبح به اینجا می‌آیم و کل آماده می‌کنیم، بعد گل را قالب زده و خشت خام تهیه می‌کنیم و این کار را تا ساعت ۶ بعداز ظهر ادامه می‌دهیم. ما فقط ظهرها حدود نیم ساعت برای خوردن غذا استراحت می‌کنیم." او می‌گوید که به اتفاق فرزندانش روزانه حدود ۲۵۰۰ خشت می‌زنند و در ازای هر ۱۰۰۰ خشت حدود ۹۰۰ ریال مزد دریافت می‌دارد. از او پرسیدیم آیا با این درآمد از عهده تامین مخارج زندگی برمی‌آید، در جواب می‌گوید: "کار من فصلی است یعنی اینکه چن زراعت باقیز تا اواخر بهار بعلت بارندگی امکان خشت زنی وجود ندارد، نتیجتاً در ایام بارندگی در شهر کار ساختمانی رو می‌آورد و چون در زمستانها معمولاً کار ساختمانی کم است بیشتر روزها

کارگران ارج به وظایف انقلابی خود عمل می‌کنند!

کارگران ارج با در دست گرفتن حفاظت کارخانه شورانقلابی خود را نشان دادند. در حال حاضر پاسداران ارج، که از کارگران آموزش دیده‌اند، حفاظت تمام سیسات کارخانه، یعنی اموال خلق را بعهده دارند. فعالیت نظامی کارگران به اینجا خاتمه نمی‌یابد. تا به حال ۲ دوره آموزش نظامی از طرف سپاه پاسداران تشکیل شده و در آن حدود ۸۰ نفر از مردان ۲۰ه نفر از زنان شرکت کرده‌اند و هم‌اکنون یک گروه مقاومت ۲۲ نفری از کارخانه وظایف محوله را انجام می‌دهد. دوره سوم کلاس آموزش نظامی نیز در حال تشکیل شدن است.

یکسال از فعالیت دومین شورای کارکنان ارج می‌گذرد. جادارد که نگاهی کوتاه به فعالیت این شورا ظرف یکسال اخیر بیفکنیم: شورا فعالیت پیگیر و مستمری را در جهت ملی کردن کارخانه انجام داده، که منجر به انتخاب هیئت مدیره کارخانه، شامل ۲ نماینده از طرف وزارت صنایع و معادن و ۳ نفر از طرف شورای کارکنان، ارج گردیده است.

تصفیه و اخراج چند نفر از عوامل کارفرما، ساواکی‌ها و ضدکارگرها، کم کردن حقوقهای کلان مدیران و رؤسای اضافه کردن حقوق کارگران به منظور تعدیل در حقوقها، پرداخت سود ویژه‌ی کارگران به صورت وام، اخراج کسانی که مشغول داشتند و از محل حقوق می‌گرفتند و اخراج بازنشسته‌های ارتش که در کارخانه کار می‌کردند، بهبود شرایط کار کارگران، برای نمونه:

نصب بخاری در کارگاهها (قبلاً در زمستان کارگران مجبور بودند از شدت سرما هیزم و چوب روشن کنند، آنهم در کارخانه‌ای که مجهز به مدرنترین دستگاه‌های تولیدی است) و نصب کولرهای سقفی جهت خنک کردن کارگاهها در تابستان، فعالیت در جهت ساختن خانه برای کارگران (اخیراً با همکاری بنیاد مسکن خانه‌سازی برای کارگران آغاز شده است).

برپایی و شرکت در راهپیمایی و تظاهرات ضد امریکایی و تشکیل مجمع عمومی جهت آگاه کردن کارگران از وضع کارخانه. در مجموع شورای ارج با کار پیگیر و مداوم خود، فعالانه در جهت منافع کارگران گام برداشته است. کارگران در انتخابات آئینده نیز نمایندگان واقعی و حامی منافعشان را انتخاب می‌کنند، نمایندگان که جز به فکر طبقه کارگر و پیروزی انقلاب ایران نباشند.

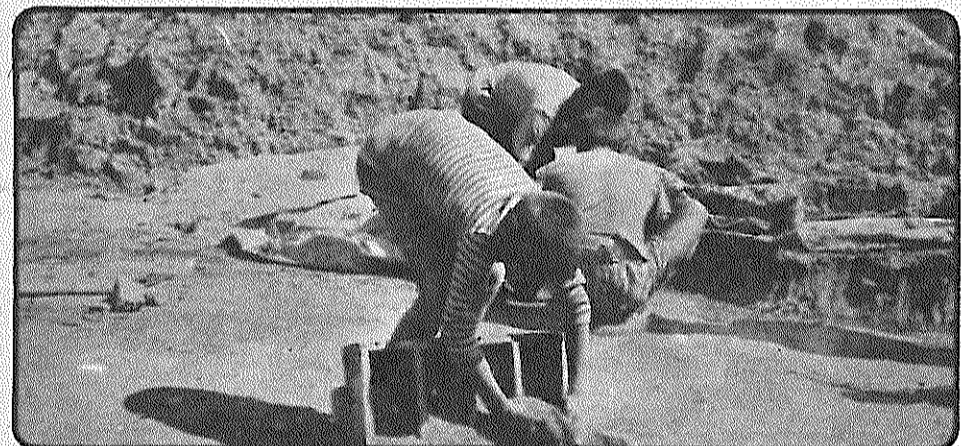
کارگران ارج همچون برادران کارگر خود در کارخانه‌های دیگر، همچون ننگران غیور جنوب و معدنیان و همچون تمام می زحمتکشان شهروستانی ایران، همانطور که با اعتراضات قهرمانانه خود کمرا میریالیسم را در منطقه شکستند، همانطور هم از بدو پیروزی انقلاب با شروع به کار، بنابر راه انداختن چرخهای اقتصاد ایمن مملکت، سوگند یاد کردند که به آرمانهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران وفادار باشند و پیشاپیش صف خلق، مبارزه جانانه علیه امپریالیسم و حامیانش علیه ستگری نظام سرمایه‌داری وابسته، علیه استعمار و وحشیانه غارتگران و چپاولگران را به پیش برند.

کارگران ارج با وجود دشواریها و مشکلات فراوانی که در پیش پای تولید کارخانه، از طرف عناصر معلوم-الحالی چون ایادی سرمایه‌داران فراری، ساواکی‌ها، مدیران قبلی کارخانه، گروههای چپ‌نما و مشکلات اقتصادی چون گرانی، نبودن مسکن، نبودن بهداشت و غیره وجود داشته توانستند تا به امروز کارخانه را سرپا نگهدارند و با کار و کوشش خستگی ناپذیر خود هرروز استوارتر در برابر امپریالیستها و عمال داخلی آنها، به انقلاب ایران کمک کنند.

حفظ تولید کارخانه ارج یکی از کارهای مهم کارگران و شورای کارخانه است. در حالی که صاحبان کارخانه وعده‌ای از مدیران گریخته بودند و وعده‌ای که باقی مانده بودند، یا توسط شورا اخراج شده و یا خود به سرکشی آمدند و در نتیجه کارخانه با مشکل عدم مدیریت روبرو بود و ضد انقلاب امیدوار بود تا از این طریق کارخانه را به تعطیلی بکشاند و ضربه‌ای به انقلاب ایران بزند. کارگران ارج، به همراه شورای منتخب خود، اداره کارخانه را به عهده گرفته و با فروش آزاد محصولات خود نشان دادند که اداره کارخانه از عهده کارگران و عناصر مومن به طبقه کارگر و انقلاب ایران ساخته است.

کارگران ارج تمام رهنمودهای امام خمینی، رهبر انقلاب را برای به ثمر رساندن انقلاب ایران اجرا کرده‌اند و هر جا که لازم بوده، چه برای جنگ و چه برای تولید بیشتر از بدل جان هم دریغ نکرده‌اند.

کارگران ارج به همراه شورای خود در دو جنبه: یکی همگام با کل انقلاب علیه ضد انقلاب داخلی و خارجی و دیگری همگام با کارگران و شهروندان دیگر علیه سرمایه‌داران و عوامل آنها مبارزه می‌کردند. کارگران ارج متحداً در تمام راهپیمایی‌های هائیکه علیه آمریکا و استکبار و مستکبرین ترتیب داده شده، شرکت کرده‌اند.



کودکان و نوجوانان بجای درس خواندن کار می‌کنند

بیکار هستم و برای امرار معاش مجبور به پول قرض کردن از دیگران می‌شوم. خوبه این ترتیب شما حساب کنید! درآمد این چندماه هم مجبور هستم که خرج ۹۰۰ هزاره را بپردازم و هم بدهی‌های سال گذشته را و هم مقداری برای ایام بیکاری پس انداز کنم. آنهم با این وضع گرانی، ببینید چه زندگی ای باید داشته باشم." صادق که پسر الله‌مراد است کودکی است بشاش ولی لاغر اندام و نحیف که بر اثر بلند کردن قالبهای آجر، هیکلکی نا-متناسب پیدا کرده است. او با اینکه ۹ ساله است هنوز به مدرسه نرفته است. چرا که معمولاً به پدرش کمک می‌کند و فرصت درس خواندن ندارد. سلطان مراد یکی دیگر از فرزندان این کارگر است که ۱۳ سال سن دارد و در کلاس اول راهنمایی درس می‌خواند. او در ایام تعطیل به کمک پدر و برادرش می‌آید و به خشت زنی مشغول می‌شود. ضمناً صادق و سلطان مراد هیچ دست

تنبیه کرد، حتی اگر پدرت هم باشی. به قسمت دیگر کوره که در آن آجر می‌پزند رفتیم. روی کوره دو کارگر جوان مشغول کار بودند و یکی از آنها احمد نام دارد. او می‌گوید که اهل تبریز است و ولی برای تامین خرج خانواده مجبور است که ۴ ماه از سال را به خرم آباد آمده و در کوره به کار بپردازد. او می‌گوید که: "دود اینجا بیشتر ما را دچار بیماریهای ریوی کرده است و برای درمان بیماریهایمان بیمه هم نیستیم که لااقل در درمان را درمان کنیم." احمد نگران و خسته می‌گوید: "ما چشم امیدمان به امام خمینی است" او در پایان از ما خواهش کرد که حتماً این مطالب را در روزنامه بنویسیم شاید مسئولان زودتر به وضع آنها رسیدگی کنند همه کارگران بدرستی به پیروزی و تحکیم انقلاب اطمینان کامل و به رفع نیازهای بازار و انقلابیان امید فراوان داشتند.

طبقه کارگران ایران در افزایش تولید،
توسیع خسارات جنگ
و دفاع در جبهه، پیشقدم است

کدوری به روستا

روستای کاجان در نزدیکی تهران



«پل» میور رودخانه روستای کاجان

روستای کاجان - از حومه دماوند - در قسمت شرق تهران میان دره خوش هوایی قرار دارد. فاصله این روستا از تهران ۷۵ کیلومتر است که ۹ کیلومتر آن شامل یک جاده خاکی و سنگلاخ است به علت نبودن جاده قابل استفاده، در مواقع ریزش برف و باران، اهالی دچار مشکلات فراوان می‌شوند و ارتباط آنها با شهرستان قطع می‌شود. در کاجان حدود ۶۰ خانوار (۲۵۰ نفر) زندگی می‌کنند. مساحت زمینهای دایروبا بر روستا بالغ بر صد هکتار است. دودانگ این زمینها اربابی و بقیه خرده مالکی است که به ۵۰ خانوار تعلق دارد. ۱۰ خانوار بقیه خوش نشین هستند و از طریق کارمزدی برای دیگران مراعات می‌کنند. دهها هکتار زمین اربابی هم بدون استفاده افتاده است. گذشته از آنکه از حضور ارباب در روستا خبری نیست، اجازه بهره‌برداری از زمینها را نیز به زارعین نمی‌دهد. دادن کلیه زمینها به دهقانان زحمتکش و تامین وسایل در شرایط کنونی تجاوز دارودسته صدام حسین امری کفایتی به ایران، موجب خواهد شد که پشت جبهه تقویت شود و محصول کافی برای رفع نیازهای کشور بدست آید.

فرزندان روستائیان اکثرًا بعد از طی دوره ابتدائی ترک تحصیل می‌کنند و به ندرت بعضی از آنها برای ادامه تحصیل به نزدیکترین روستای مجاور به نام مراء که در فاصله شش کیلومتری قرار دارد، می‌روند. ولی بین کاجان و مراء سرویس رفت و آمد وجود ندارد. زنان روستائی ظروف و لباسها را در جوی آبی که از کنار روستا میگذرد و کاملاً غیر بهداشتی است، می‌شویند و این خود منبع شیوع انواع بیماریها است. در این روستا حتی یک دکان کوچک وجود ندارد و اهالی مجبورند برای کمترین خرید کیلومترها راه پیمایند.

روستای کاجان برق ندارد، غسالخانه ندارد، در بزایرسیل کاملاً بی دفاع است. آب مشروب اهالی منحصر به یک چشمه است، که آب باریکه‌ای از آن جریان دارد و از درمانگاه انجمن نیست. اگر اهالی روستا مریض شوند، باید به دماوند، به فاصله ۱۵ کیلومتر، مراجعه کنند. وضع زایمان زنان روستائی رقت انگیز است. زراعتها با وسایل ابتدائی و سنتی انجام می‌شود. سمپاشی درختان توسط اهالی و به تشخیص خودشان از لحاظ انتخاب نوع سم صورت می‌گیرد، گرانی بیسداد میکنند. شورای ده، که اکنون به عنوان یک نهاد دموکراتیک در جامعه نقلی مطرح است، هنوز در این روستا تشکیل نشده است.

در یک کلام می‌توان گفت، علیرغم نزدیکی به تهران، در این روستا هنوز تحولات انقلابی راه نیافته و آثار عقب ماندگی از دوران استعماری گذشته به شدیدترین وجهی در آن وجود دارد. اینجا دایره تحولات ضروری انقلابی، دهات ایران را به دژهای مستحکم انقلاب بدل خواهد کرد و هر تاجا و زکازی از نوع صدام حسین آرزوی درهم شکستن میهن انقلابی ما را بگور خواهد برد. بهمین جهت هم انتظار مردم از دولت - حل مسئله زمین، رسیدگی به وضع اهتجار

خرید محصول گندم دهقانان به قیمت عادلانه

نرخ خرید محصول گندم کشاورزان، هر کیلو ۲۰ ریال و نرخ فروش آن توسط دولت هر کیلو ۲۵ ریال تعیین شده است. ولی این قیمت، دهقانان منطقه شهرکرد را، مانند بسیاری دیگر از تولیدکنندگان گندم، راضی نمی‌کند. پایین بودن نرخ خرید موجب فروش محصول به واسطه‌ها می‌شود و این کار عواقب وخیمی دارد، زیرا که واسطه‌ها میتوانند دست به احتکار و ایجاد کمبود مصنوعی بزنند.

باید توجه داشت که ما در شرایطی هستیم که کشور در جنگ با دشمن بسر می‌برد و احتکار و کمبود از حربه‌های ضد انقلاب است، لذا تعیین قیمت عادلانه برای محصولات اکنون اهمیت حیاتی دارد. ضمناً کشاورزان، اکنون گندم را برای بذور احتیاج آزادانه کشاورزی استان، به قیمت کیلویی ۲۵ ریال خریداری می‌کنند، که باید به آن هزینه هر کیلو در حدود ۱/۵ ریال را جهت بوجاری (الک کردن) و تمیز کردن برای دهقانان اضافه کرد.

قیمت عادلانه خرید در مورد سبب زمینی نیز مطرح است. وظیفه دولت و مسئولین است که از هم اکنون نسبت به خرید محصول سبب زمینی و نیز چغندر قند کشاورزان به قیمت عادلانه و در جهت کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دلالان، که می‌خواهند محصول را بکند، پیش خرید کنند، اقدام کنند. این کار در شرایط جنگی و محاصره اقتصادی آمریکا اهمیت فراوان پیدا کرده است. بعلاوه، بعلت سیل زدگی، سرمایه‌دگی و رطوبت زیاد زمینها، کشاورزان منطقه شهرکرد، دچار خسارات و زیانهای فراوانی شده‌اند. لازم است با در نظر گرفتن شرایط حاضر، به وضع این دهقانان توجه و خسارات آنان جبران شود.

کشور ما باید پاسخی دندان شکن به تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا بدهد و در برابر تاجا و زات رژیم مزدور صدام از نظر تامین مواد غذایی خودکفا باشد. برای اینکار دولت انقلاب باید برنامه‌های خود را دقیقاً تدوین کند و با شرایط جنگی و مقابل با امپریالیسم آمریکا همساز نماید. تعیین نرخ عادلانه خرید گندم و سایر محصولات اساسی کشاورزی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از جمله این اقدامات است.

این اقدام یک بخش مهم در اجرای فرمان امام خمینی مبنی بر جهاد کشاورزی و کشت همه زمینها و بدست آوردن محصول هر چه بیشتر است. این جهاد را باید تدارک دید و زمینه موفقیت آن را آماده ساخت.

در کنار اجرای اصلاحات ارضی و تامین وسایل کار و کشت، تعیین نرخ عادلانه خرید گندم و سایر محصولات کشاورزی، یکی از سلاحهای اساسی و برای موفقیت در جهاد عظیم تولید بیشتر است. کشور ما در مقابل خود با امپریالیسم آمریکا و محاصره اقتصادی شیطان بزرگ نیاز دارد که از اوراق عمومی را در مهمترین و حیاتیترین اقلام آن در داخل کشور تولید کند و بهیچوجه نیازمند واردات از خارج نباشد.

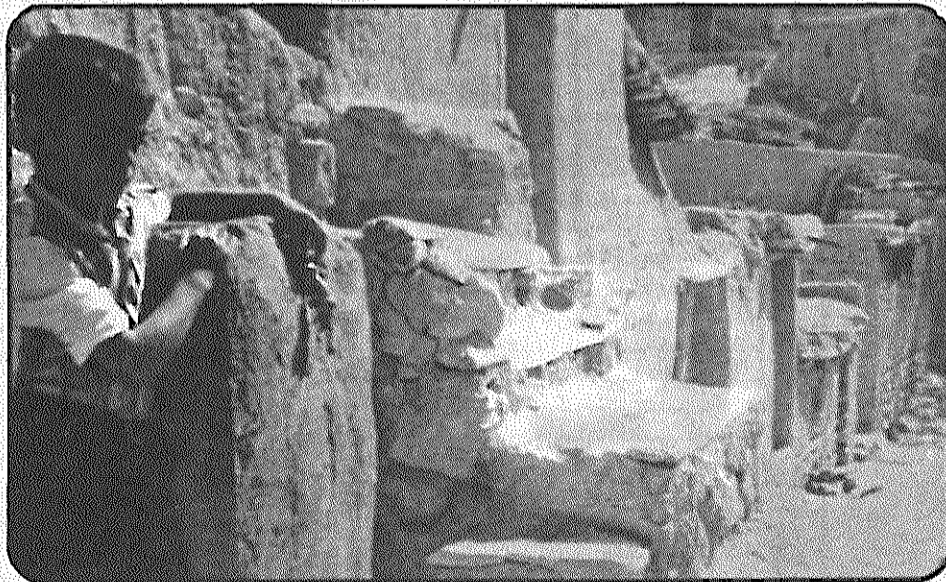
دهقانان زحمتکش ایرانی با رنگین جبهه جنگ را بردوش دارند و در پشت جبهه در سنگر مزارع و درمیدان نبرد تولید بیشتر نیز نقش بسیار حیاتی و سزاوار خود را به انجام خواهند رساند. دولت انقلابی نیز وظیفه دارد شرایط و اسباب این انجام وظیفه را مهیا سازد.

آنها و بهبود شرایط زندگی‌شان است. شرایطی که سیاست ضد دهقانی رژیم شاه ملعون بوجود آورده است. در شرایط حساس جنگ امریکائی صدام، دهقانان نارسائیها و کمبودها را تحمل میکنند و آماده‌اند که در جهاد کشاورزی فعالانه شرکت کنند.

اخیراً وزارت بهداشتی و بهزیستی اقدام به ساختمان درمانگاهی در این روستا کرده و تقریباً ۴۰ درصد کار ساختمانی آن به اتمام رسیده است. پی‌ریزی ساختمان مربوط به سه کلاس راهنمایی دبیرستان نیز شروع شده است. همچنین به همت جهاد سازندگی یک باب حمام تاسیس و در اختیار روستائیان قرار داده شده است.

دهقانان از این اقدامات بسیار سگزای میکنند و امیدوارند که بعد از پیروزی در جنگ عادلانه علیه رژیم صدام، سایر مشکلات فراوان آنها نیز بتدریج مرتفع شود.

"ما اینجا هیچ چیز نداریم. من و شوهرم با این سن و سال زیاد مجبوریم از صبح تا شب روی زمینهای دیگران کار کنیم، با این وصف خرج بخوریم - نمیر ما و فرزندمان جور نمی‌شود. خانه ما از خشت خام ساخته شده و با اولین باران تمام خیس و نم‌دار میشود.



روستای کاجان - در فاصله کمی از تهران - مظه‌ری از فقر و عقب افتادگی است. با غلبه بردشمن متجاوز و شرکت در جهاد تولید کشاورزی، سیمای دهات کشور ما نیز تغییر خواهد کرد.

پای صحبت چند نفر از اهالی روستا می‌نشینیم. زنی به اسم فاطمه اظهار میدارد:

شماره خدا بگوئید به وضع ما رسیدگی شود و ما را از این فلاکت خلاص کنند. مگر مستضعف ترا ما هم وجود دارد؟"

روستائی دیگری به نام سیدحسین ضیائی می‌گوید:

"در این روستا قبلاً ۱۰۰ خانوار زندگی می‌کردند، ولی غالباً جوانان به

علت فقدان امکانات روستا را ترک کرده به تهران هجوم برده‌اند. در حال حاضر فقط کودکان و پسران در روستا باقی مانده‌اند، به این لحاظ از نظر نیروی کار بسیار در ضعیفه هستیم و خسارات سنگینی متحمل می‌شویم، لذا دولت برای جلوگیری از انهدام کشاورزی در این روستا باید چاره‌ای کند. روستائیان کاجان ناچار هستند محصولات درختان خود را به حداقل قیمت روز به بازار فروشان میدان عرضه کنند. وای به وقتی که آفته سرما و تگرگ به سردخشتها آسیب برساند. در آن صورت دیگر حساب روستائیان در آن سال بکلی پاک است."

علی قنبری، جوانی که در سالهای اخیر ده را ترک کرده و در چاپخانه دانشگاه علم و صنعت مشغول کار است می‌گوید:

"اگر وضع ده خوب بود، من هرگز با پنج سرعائله به تهران نمی‌رفتم. ما به زندگی در شهر عادت نداریم. کشاورزی در خون ما است."

می‌پرسیم: از دولت جمهوری اسلامی چه انتظاری داری؟ می‌گوید:

"دلم می‌خواهد روستای ما هم مثل بعضی از روستاهای دیگر، برق، جاده و دبیرستان نداشته باشد تا قابل زندگی کردن شود."

دهقانان ایران امروز یکدل و یک جان از انقلاب بزرگ خود و از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، تا فردا بتوانند در ایجاد زندگی بهتر و شایسته‌ای سهم داشته باشند.

از قبیل توتون و چغندر قند مساعد است. آنها قادرند در جهاد کشاورزی شرکت فعال کنند. مسئولان امور موظفند موقعیت این روستا را در نظر بگیرند و به دهقانان کمک‌های فوری و مؤثر فنی (از قبیل تراکتور و دیگر ماشین آلات) بکنند و با تهیه کود، یاد دادن طرز استفاده صحیح و موقع آن و دادن کمکهای مالی (وام -

درده فقط یک تراکتور وجود دارد. کرایه شخم زمین از قرا هر طناب زمین (۴۱۰۰ متر مربع) ۱۰۰۰ تومان است. دهقانان بسا درک شرایط سخت دوران جنگ، فداکارانه متحمل کمبودها میشوند تا با موفقیت در سنگر تولید محصول بردشمن ضربه وارد سازند. در این روستا زمینها برای تولید محصولات صنعتی

چند کاران ده از نظر تهیه کود در مزیقه اندو کارخانه چغندر قند سازی در امر تهیه کود کمکی عملی به آنها نمی‌کند. در روستا حمام، درمانگاه و شرکت تعاونی وجود ندارد. اهالی مجبورند از روستای قره‌گوز مواد مصرفی خود را تامین کنند. با کمک جهاد سازندگی کار برق کشی به روستا در حال اتمام است.

برای شرکت در جهاد کشاورزی و در هم شکستن توطنه اقتصادی آمریکا

روستای "سهولو" با جمعیتی در حدود ۸۰ خانوار (تقریباً ۶۰۰ نفر) در ۱۲ کیلومتری ارومیه قرار دارد. در این روستا ۸ خانوار روسی زمین وجود دارد.

های در از مدت و بدون بهره لغوبدهی های عقب افتاده دهقانان) وغیره به آنها یاری رسانند. در این صورت با رشد کشاورزی به رشد رشته های مربوط به صنعت نیز کمک خواهد شد و جهاد تولید بیشتر و خورد کردن محاصره اقتصادی آمریکا، که وظیفه مهم انقلابی است، با موفقیت عملی خواهد گردید.

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۹
باشکرت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش‌های طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره دیروز درج شد. بخش دوم آن در این شماره به چاپ می‌رسد و بقیه در شماره آینده منتشر خواهد شد.

نورالدین کیانوری

(۲)

«پرسش و پاسخ»

بررسی مسائل

مبرم روز

۳- پاسخ به یک دوست مسلمان

س: دوست مسلمانی می‌گوید: پشتیبانی حزب توده ایران از جمهوری اسلامی از خط امام یک «فریبکاری» است. امروز حزب توده ایران از امام پشتیبانی می‌کند، چون می‌بیند که ملت از امام پشتیبانی می‌کند. و این زرنگی است، چون سرنوشت مجاهدین و فدائیان خلق را پیش‌بینی می‌کند. وگرنه حزب توده ایران طرفدار نظام کمونیستی است. مگر جمهوری اسلامی گامی در راه نزدیکی به جامعه کمونیستی است که حزب توده ایران از آن پشتیبانی می‌کند؟

ج: خوب این سؤال بسیار جالبی است. این دوست یک سؤال دیگر هم مطرح کرده که آن هم بسیار جالب است؛ مگر تنها اصل عقیدتی و آرمانی حزب توده ایران دفاع از شوروی است که حزب برای جلب سایر نیروها در تمام موارد عقب‌نشینی می‌کند ولی در این یک مورد هیچ‌گونه عقب‌نشینی نمی‌کند؟

هر دو سؤال این دوست مسلمانی ما بسیار جالب است. ما به این دو سؤال در جلسه‌های گذشته به اشکال دیگری جواب داده‌ایم. حال در این چارچوب هم می‌کوشم که جواب روشن‌کننده‌ای بدهم. چند نکته از این پرسش استنتاج می‌شود. این که دوست مسلمان ماقبول دارد که حزب توده ایران به‌طور جدی از خط امام خمینی پشتیبانی می‌کند و به عقیده او این «زرنگی» و به بیان دقیق‌تر کار درستی است که ما می‌کنیم و اگر ما این کار را نمی‌کردیم به سرنوشت مجاهدین و فدائیان گرفتاری شدید که البته سرنوشت خوبی نیست. و او هم معتقد است که آن‌ها بیه سرنوشت ناگواری گرفتارند که از جنبش سراسر خلق جدا مانده‌اند. از این سؤال یک نکته دیگر هم استنتاج می‌شود که آن هم درست است یعنی حزب توده ایران طرفدار نظام سوسیالیستی در جامعه است. و بعد سؤال می‌کند که آیا جمهوری اسلامی گامی است در راه نزدیکی به جامعه‌ای که هدف حزب توده ایران است؟ آیا برای این است که حزب توده ایران از آن دفاع می‌کند؟ در این سؤال توام با تردید، تمام پاسخ درست مسئله نهفته است و آن این است که برخلاف آن‌چه که این دوست ما گفته‌است، ما به هیچ وجه در اتخاذ این سیاست «فریبکاری» نمی‌کنیم. اگر ما می‌خواستیم «فریبکاری» کنیم اصلاً مسئله هواداری از سوسیالیسم علمی را می‌گذاشتیم کنار یا آن را مسکوت می‌گذاشتیم و مثل حزب رنجبران می‌شدیم که پرپر و پاره می‌شدند و اولترا کمونیست بود و حالا کلی این‌ها را گذاشته کنار و فقط از «اسلام» حرف می‌زدند. و با مثل این مائوئیست‌های «مسلمان شده» بودیم که در گذشته دروغ می‌گفتند و هم حالا دروغ می‌گویند. اگر می‌خواستیم «فریبکاری» کنیم، ما هم راه خود را ترک می‌کردیم و می‌گفتیم: «اصلاً مسلمان هستیم» و شاید هم می‌توانستیم وکیل مجلس شویم. برای این که چند تا قاضی از مائوئیست‌های «مسلمان شده» الان در مجلس نشسته‌اند. اگر آن‌طور بودیم می‌توانستیم در کابینه «گام به گام» راه پیدا کنیم. توده‌های آدم‌های خیلی بی‌عرضه‌ای هم نیستند و همه قبول دارند که آدم‌های لایق و با عرضه‌ای هستند. ولی بهمان دلیل که سر سوزنی فریبکاری در سیاست ما نیست و می‌دانیم دفاع علمی از سوسیالیسم علمی در جامعه‌ای که مذهب در آن به عامل سیاسی تبدیل شده، کار آسان نیست، علی‌رغم تمام مخاطرات با شجاعت و شهادت از سوسیالیسم علمی دفاع می‌کنیم. حزب توده ایران و توده‌های این شجاعت و شهادت را دارند که علی‌رغم همه خطرانی که دفاع از این هدف‌ها و از این عقیده برای آن‌ها در بر دارد، با صراحت تمام از عقیده خودشان دفاع کنند و ضمناً با همان صراحت و فداکاری و ایثار هم در جبهه جنگ علیه دشمن نبرد می‌کنند، کشته می‌شوند و خون می‌دهند. با این توصیف «بیمت» «فریبکاری» به توده‌های ما زدن بی‌انصافی و حتماً ناشی از بی‌اطلاعی و ناگامی است. ما معتقدیم که دوستان مسلمان واقعی (نه آن‌ها که فریبکارند و امام از آن‌ها متفر است) شناخت‌شان در مسائل سیاسی و اجتماعی هنوز به اندازه کافی رشد نکرده و هنوز نمی‌توانند این پدیده را درک کنند. اصولاً همان‌طور که دنیا نتوانست اسلام انقلابی را درک کند و الان در مقابل این پدیده تاریخی به‌تر شده است، همان‌طور هم قسمتی از دنیا هنوز سوسیالیسم و کمونیسم را درک نکرده و نمی‌فهمد که چگونه نیروهای با حد اعلای ایثار در راه این عقیده جانبازی می‌کنند و برای هرگونه فداکاری در راه تغییر بنیادی جامعه به سود زحمتکشان و محرومان جامعه آماده‌اند. آن‌ها محتوای این پدیده را نفهمیده‌اند، و چون نفهمیده‌اند، گرفتار محضه پیش‌داوری‌هایی هستند که محصول تبلیغات بیش از ۱۳۰ ساله انواع دشمنان جنبش انقلابی سوسیالیستی جهان است.

اما اگر به فکر منافع خودشان بودند، مثل اکثر هندیست‌هایی که امروز در جامعه ما هستند، صاحب مال و متال و کارخانه شده بودند. ولی توده‌های ما، اعم از افسران و مهندسان و کارگران و روشنفکران زندگی خود را فقط به مبارزه در راه منافع حیاتی توده‌های میلیونی زحمتکش میهن ما که اکثریت مطلق‌شان مذهبی و متعهد هستند، اختصاص داده همه چیز خود را در این راه فدا کرده‌اند. این پدیده را این دوستان مسلمان ما هنوز درک نمی‌کنند. آن‌ها به مفهوم واقعی این پدیده که از اواسط قرن نوزدهم میلادی در دنیا پیدا شده و ۶۰ سال است افکار عمومی سراسر جهان را مشغول می‌دارد، پی نبرده‌اند و نمی‌دانند چرا کمونیست‌ها حاضر می‌شوند برای جمهوری اسلامی خون خود را نثار کنند؟ آن‌ها باید به این سؤال جواب بدهند. پاسخ ما همان است که همه در جمهوری اسلامی شاهد آنیم: ما، با تمام امکانات برای تحکیم این جمهوری اسلامی مبارزه کرده‌ایم و می‌کنیم. چرا؟ برای این که در این جمهوری اسلامی نیروهای را می‌بینیم که علیه بدبختی‌هایی مبارزه می‌کنند که جامعه ما طی قرن‌ها و بخصوص طی دهه‌ها سال اخیر گرفتار آن بوده‌است. آن‌ها علیه سلطه امپریالیسم، علیه سودجویی طبقات وابسته به امپریالیسم یعنی سرمایه‌داران وابسته بزرگ مالکان و به نفع توده‌های میلیونی محروم مبارزه می‌کنند و چون می‌بینیم که نظام جمهوری اسلامی با تمام خصوصیاتش در زمینه‌های استقلال و رهایی از وابستگی به امپریالیسم و برادار نظام کارترگر سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان، تاکنون یک سلسله اقدامات جدی به نفع توده‌های میلیونی انجام داده‌است، با تمام قوا از آن پشتیبانی می‌کنیم و حاضریم جان‌مان را در این راه فدا کنیم. با توجه به این واقعیت است که ما بدون این که هیچ چیزی از این جمهوری نخواهیم و بدون این که جمهوری اسلامی هیچ چیزی به ما بدهد، حتی با آن که افراد توده‌ای را از حقوق خفای که مطابق قانون به آن‌ها تعلق می‌گیرد محروم می‌کنند و از کار بیرون‌شان می‌کنند، برای تحکیم جمهوری اسلامی خواهیم کوشید و همان‌طور که توده‌های ماهر سنگرهای جبهه‌ها نشان داده‌اند، آماده‌ایم تا پای جان از آن دفاع کنیم. پس مسئله به هیچ وجه «فریبکاری» نیست. ما هر روز انتظار داریم که مسلمانان خیلی متعصب و کوتاه‌بین باز هم به جان توده‌های ما بیایند و همان‌طور که دفترهای ما را اشغال کردند و رفقای ما را زدند و در بعضی موارد حتی علیه توده‌های ما که از جمهوری اسلامی دفاع می‌کردند، حکم اعدام صادر کردند و حکم را هم به موقع اجرا گذاشتند - مثل کرمانشاهان و هیچ بعید نیست که باز هم این اعمال تکرار شود، ولی معذالک واقعی که ما احساس کنیم و با کمک‌های خودمان به این نتیجه برسیم که سیاست تعیین‌کننده، در جمهوری اسلامی، سیاستی است به‌طور عمده علیه امپریالیسم و علیه سلطه همه جانبه امپریالیسم بر میهن ما نیست است به سود محرومان جامعه و علیه غارتگری چپاول‌گران اجتماعی، از این نظام پشتیبانی خواهیم کرد. این است صداقت انقلابی، که بدان می‌بایم. و اما قسمت دوم سؤال این است که: مگر تنها اصل عقیدتی و آرمانی حزب توده ایران دفاع از شوروی است، که حزب برای جلب نیروها در تمام موارد عقب‌نشینی می‌کند ولی در این مورد هیچ‌گونه عقب‌نشینی نمی‌کند؟ این قسمت از سؤال دوست مسلمان ما هم به کلی غلط و ناشی از شناخت نادرستی است که از سیاست حزب ما دارد. یک نکته بسیار نادرست در این جا هست که گویا ما حاضریم برای جلب سایر نیروها از اصول عقیدتی خودمان، غیر از آن‌چه که به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی مربوط می‌شود، عدول کنیم. این ناشی از عدم شناخت مطلق از توده‌های ما است. برای آن که یکی از صفات مشخصه توده‌های ما و امثال توده‌های ما، نه تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا و در طول تمام تاریخ صدوسی و چند ساله‌ای که سوسیالیسم علمی وارد میدان سیاست شده، این است که برای دفاع از اصول عقیدتی خود حاضر به تحمل همه‌گونه محرومیت‌هایی هستند. اگر تنها همین تاریخ ۴۰ ساله اخیر را در نظر بگیریم می‌بینیم برای دفاع از سوسیالیسم علمی در جنگ جهانی دوم چه تلفات عظیمی داده شد. در جنگ دوم جهانی نه فقط در کشور اتحاد شوروی، بلکه در فرانسه، آلمان، یوگسلاوی، ایتالیا و در سایر کشورهای که تحت اشغال فاشیسم درآمده بودند، کمونیست‌ها بیش از هر نیروی سیاسی دیگر برای دفاع از اصول عقیدتی خودشان قربانی دادند. اصلاً بازرترین صفت مشخصه هواداران سوسیالیسم علمی توده‌های ما، همین است که از اصول خود یک گام هم عقب‌نشینی نمی‌کنند. یعنی اگر به ما بگویند که حاضریم شما را وزیر کنیم به شرط این که بگویید که دیگر طرفدار سوسیالیسم علمی نیستیم، در جواب می‌گوییم، وزارت مال خودتان، ولی ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم و یک گام هم از اصول خود عقب نمی‌نشینیم. ولی اگر با علم بر این که ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم، خواستید فلان کارخانه را به ما بدهید که اداره کنیم، یا تمام صداقت آن‌را خواهیم پذیرفت. ما در عین این که در تاکتیک، در برخورد به مسائل روزنرزش اصولی داریم، به خاطر هیچ چیز، نه برای مقام و نه برای جلب سایر نیروها، هرگز حاضر نیستیم از اصول خودمان عدول کنیم. آنجا هم که نم‌نشان می‌دهیم، این نرزش همراه است با کوشش برای شناخت بیشتر نیروهای دیگر. ما می‌گوییم بر سر اصول دعوا راه نیاندازید: ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم، شما طرفدار نظریات ایدئولوژیک دیگر، ولی برای این که دست آمریکایی‌ها از ایران کوتاه‌اید، هر دوی ما با هم توافق داریم. همه با هم نیروهای خود را به کار بریم تا شر آمریکایی‌ها از ایران کنده شود. و وقتی هم شر آن‌ها کنده شد، آنوقت اگر شما اکثریت داشتید، تمام دستگاه دولتی مال شما است. اگر واقعا منطقی و عاقلانه عمل کنید، از همکاری ما و نیروی که داریم استفاده خواهید کرد. مثل خیلی از جنبش‌های اجتماعی غیر سوسیالیستی کشورهای دیگر که با همین برخورد توانستند استقلال ملی‌شان را حفظ کنند. یکی از نمونه‌های آن نحوه عمل سوریه در مقابل امپریالیسم، صهیونیسم و طبقات ارتجاعی جامعه است.

ما این اتهام را که گویا به خاطر جلب پشتیبانی سایر نیروها، حاضریم از اصول عدول کنیم، شانه‌ای از عدم شناخت می‌دانیم. ما حاضریم با سایر نیروها در آن بخشی از راه که با آن‌ها هدف‌های مشترک داریم،

ندارد، حتی عقب‌نشینی کنیم. این مسئله که دوستان و دشمنان چه کسانی هستند و اعتقادات ما در این زمینه، ناشی از شناخت اصولی ما است و ما از هیچ طرف آن، عقب‌نشینی نخواهیم کرد. مگر ما در مورد شناخت دشمنان ایران عقب‌نشینی کرده‌ایم؟ گفته‌ایم که امپریالیسم دشمن ایران است و به خاطر همین شناخت، آماج انواع حملات قرار می‌گیریم. اولین حزب سیاسی که در ایران گفت بزرگترین دشمن ایران آمریکا است، حزب توده ایران بود. هیچ‌کس نمی‌تواند این حقیقت را

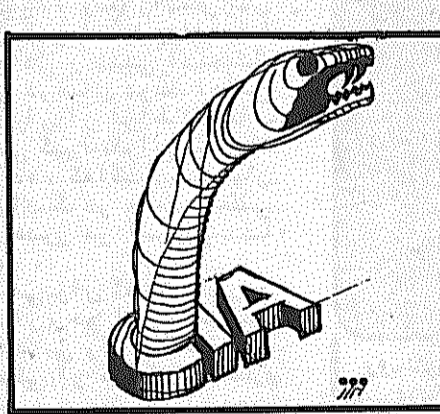
منکر شود. ما از سال‌ها پیش تشخیص می‌دادیم که آمریکا دشمن اصلی و خطرناک ملت ایران است و نه همین جهت هم ما را می‌کوبیدند. همین میلیون، همین آقایان لیبرال‌های امروز و میلیون دیروز، در درجه اول از جهت بزرگترین دشمنی را در حق ما می‌کردند، که ما آمریکا را دشمن خلق‌های ایران می‌دانستیم و این آقایان آمریکا را دوست و ممتحنی ایران تشخیص می‌دادند. آن‌ها در موضع خود مانده‌اند و ما هم همین‌طور. آن‌ها می‌کوشند بعد از این همه جنایت که آمریکا در حق ملت ایران مرتکب شده است، باز هم راه را برای تجدید تسلط آمریکا بر ایران هموار کنند و ما هم با تمام جان خودمان ایستاده‌ایم که این راه را سد کنیم و حاضریم تا آخرین نفر کشته شویم، ولی نگذاریم آمریکا دوزخ را به ایران برگرداند. این جزو اصول است، برای این که ما امپریالیسم را دشمن شماره یک بشریت زحمتکش می‌دانیم. و یکی از علل پشتیبانی ما از خط امام، همین چشم بیدار امام و همین دید تاریخی امام است.

امام در پرتو تجارب طولانی مبارزات خود، با نبوغ خاصی به این نتیجه رسیده‌است که آمریکا دشمن شماره یک خلق‌ها، خطرناکترین دشمن نه فقط ملت ایران، بلکه تمام بشریت محروم است. امام با قاطعیت تمام بر این موضع استوار است. احترام عمیق ما نسبت به امام ناشی از همین برخورد اصولی ما است. کجا ما از اصول خودمان در مقابل سخت‌ترین فشارها عقب‌نشینی کرده‌ایم؟ برای جلب کدام نیرو تن به سازشکاری داده‌ایم؟ به این ترتیب این اتهام دوست ما به هیچ وجه وارد نیست. همین‌طور است مسئله مربوط به تشخیص دوستان انقلاب ایران. ما از ۴۰ سال پیش، از همان روز که حزب توده ایران تاسیس شد و از ۶۰ سال پیش که حزب هواداران سوسیالیسم علمی، حزب کمونیست ایران تشکیل شد، بر این عقیده بوده و هستیم که ایران در دنیا دوستان و دشمنان مشخصی دارد. دوستان آن عبارتند از زحمتکشان جهان و طبقات محروم و ستم‌کش جهان و دشمنان ایران عبارتند از طبقات استثمارگر و غارتگر. پشتیبانی ما هم از خط امام برای همین است که امام بر پایه معتقدات عمیق خود، تشخیصی داده‌است که دنیا تقسیم می‌شود به مستکبران، یعنی غارتگران، زورگویان، چپاولگران از یک سو و محرومان و ستمدیدگان و مستضعفان از سوی دیگر و این که مستضعفان همه در یک جبهه علیه استعمار جهانی به‌طور طبیعی و بالقوه متحد و دوست هستند. ما هم، منتها با معیارهای خودمان، از ۶۰ سال پیش، از ۱۳۰ سال پیش، از همان روز که مارکسیسم به میدان سیاست جهانی گام نهاد، این اصل را مطرح کرده‌ایم که دنیا تقسیم می‌شود به استثمارگران و استثمارشدگان. غارتگران و غارت‌شدگان، ستمگران و ستمکشان و تمام تاریخ جهان، نبرد میان این دو جبهه جهانی است. ما از این اصل هم هیچ وقت عقب‌نشینی نکرده‌ایم و معتقدیم که دوستان جنبش انقلابی و خلقی و توده‌های محرومان کشور ما عبارتند از همه نیروهایی که در دنیا به توده‌های میلیونی کارگران و دهقانان و تولیدکنندگان کوچک و زحمتکشان فکری تکیه دارند. حالا این نیروها در کشورهای مثل کشورهای سوسیالیستی قدرت را به دست گرفته‌اند، در کشورهای در قدرت شریک هستند و در جاهای دیگر هم که در قدرت نیستند یا در جنبش‌های آزادی‌بخش ملی مبارزه می‌کنند، یا در جنبش‌های مترقی کارگری علیه استعمار کشور خودشان، مثل فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و بسیاری از کشورهای دیگر، اینها دوستان انقلاب ما هستند. این یکی از اصول ما است. و ما از این اصل در مقابل هیچ تهدید و فشاری هرگز عدول نخواهیم کرد. ممکن است ما را خفه کنند، دهانمان را ببندند، جلوی روزنامه‌مان را بگیرند، کتاب‌هایمان را نگذارند منتشر شود، خودمان را بگیرند، حبس کنند و دار هم بزنند، همان‌گونه که رژیم آریامیری کرد، همه این کارها را ممکن است بکنند، ولی مطمئن باشید که با این اعمال هرگز نخواهند توانست ما را به عدول از اصول خود وادارند.

خلاصه این که ما در جواب این دوست خودمان می‌گوییم، خصوصیت حزب ما این است که هرگز برای جلب سایر نیروها و یا جلب نظر بعضی از مقامات، هیچ‌گاه حاضر نیست اصول عقیدتی خود را زیر پا بگذارد و در زمینه‌های اصولی تن به سازشکاری ندهد.

ادامه دارد

برقرار
باد اتحاد
همه
نیروهای
ضد
امپریالیستی
و
دمکراتیک
ایران
در جبهه
متحد خلق



نیکار گوئه...

بقیه از صفحه ۲

خویش را از بند وابستگی نواستعماری رهایی بخشیده‌اند.

علاوه بر این، کشورهای دیگری هم هستند که با مداخله امپریالیسم در امور داخلی کشور-های آمریکا لاتین مخالفت می‌ورزند. در این زمینه، می‌توان از موضع‌گیری چندین کشور آمریکای لاتین، از جمله مکزیک، پیش از پیروزی ما، یاد کرد. گام‌های قاطعانه این کشورها نقشه‌های مداخله‌گرانه ایالات متحده آمریکا را در قبال نیکار گوئه عقیم گذاشت.

برخی از این کشورها امروزه می‌کوشند تا از حمله نیروهای ایالات متحده آمریکا به السالوادور جلوگیری کنند. ما نیز به نوبه خود هم اکنون اعلام داشته‌ایم که هرگونه تجاوزی را علیه السالوادور به مثابه دخالت در امور داخلی خویش تلقی می‌کنیم.

(منبع: مجله مسائل صلح و سوسیالیسم)

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

اگر متحد باشیم دشمن نمیتواند علیه ما کاری کند

شاه اردن هرگز با ملت ما خوب نبوده است، او نوکر خان است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی که به ریاست اکبر پرویزی تشکیل شد، یکی از نمایندگان تأکید کرد که ما باید در مقابل دشمنان داخلی و خارجی انقلاب متحد شویم. در آغاز این جلسه کمالی نماینده شهرستان قوچان به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. او ضمن ستایش مبارزه دلیرانه مردم قهرمان ایران در جبهه های نبرد با مزدوران صدام حسین به فدakarهای مردم شهرستان قوچان اشاره کرد و خواستار حراست انقلاب از آفت تفرقه و پراکندگی شد.

کمالی سومین سخنران پیش از دستور در مورد فعالیت و همکاری دشمنان خارجی و داخلی انقلاب صحبت کرد و از جمله اظهار داشت: اکنون صدام حسین مزدور که فکر می کرد تهران را چند روزه می گیرد مایوس شده است. او فکر نمی کرد که این ملت بتواند در برابر حملات ایستادگی کند و بر این اساس جنگ را آغاز کرد. رادیو عراق علیه انقلاب اسلامی ما سمپاشی می کند و چند روز پیش ادعا کرد که حکومت ایران همه رهبران احزاب و گروهها را زندانی

کرده و بسته است جز حزب کمونیست را! ناطق سپس گفت: در زمان طاغوت در نوشهر ما، محمدرضا کاخی برای شاه اردن ساخته بود و او تعطیلاتش را در آنجا می گذراند. ما می خواهیم به ملت اردن، عربستان سعودی، عراق... بگوئیم که این حکومتها پاشا نیستند.

ناطق افزود: ما در مقابل فعالیت ضد انقلاب باید متحد شویم. اگر مجلس ما مجلسی قوی و دولت ما دولتی قوی و ملت ما ملت متحد باشد آنها هیچ چاره نعی ندارند علیه ما کاری کنند. وی در پایان در مورد آزادی نیز سخن گفت.

در اینجا رئیس مجلس توضیح داد: حسین اردنی هرگز با ملت ما خوب نبوده است او نوکر خان است. چیزی که برای اینها مطرح است خوردن و لولیدن... است، والا انسان و انسانیت و مبارزه و کرامت برای اینها که همه چیزشان بسته به خان است، مفهومی ندارد.

سپس مجلس وارد دستور شد و ماده دوم طرح قانونی اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این ماده اختصاص به انتخاب نمایندگان قوای سه گانه برای اداره رادیو تلویزیون دارد. در این جلسه قسمت هایی از این ماده به تصویب رسید و بقیه به جلسه بعد موکول گردید.

اطلاعیه سپاه...

بقیه از صفحه ۱

سیستان و بلوچستان اطلاعیه ای منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است:

و شما شنیده و ماهم شنیده ایم که بعضی شیخ نشینهای خلیج و بعضی دولتهای کشورهای اسلامی در جنگ بین اسلام و کفر طرف کفر را اختیار و کجکاهی نظامی و تبلیغاتی از دولت غصب بعث و جنایتکار می کنند... به کشورهای اسلامی اخطار می کنم که جلوی این تبلیغات باطل را بگیرند و با اسلام عزیز مخالفت نکنند.

امام خمینی ... بر اساس اطلاعات رسیده عده ای از برادران انجمن اسلامی دانشجویان در هندوستان به همراه

هنر پزشکی پاکستانی و مقدار زیادی دارو و لوازم پزشکی عازم ایران بود، تا به جبهه های جنگ رهنما شده و در این نبرد سهمی ایفا کرده باشند اما پلیسهای مزدور سازمان جاسوسی پاکستان (سی - آی - دی) در

تفان، پزشکان پاکستانی را دستگیر و با ضرب و شتم فراوان به زندان پاکستان بردند. راستی این جریان چه چیز را ثابت میکند؟

آیا جز این است که حکومت آمریکایی ضیاء العابدین بطور غیر مستقیم بدستور ارباب جنایتکارش کارتری به یاری صدام شتافته است؟

آیا این مسئله ماهیت رژیم پاکستان و رژیمهای شبیه او را نشان نمیدهد؟ آیا مرجعین وابسته ای که در

لباس اسلام، حکومت نظامی ضیاء را حکومت اسلامی می خوانند و یا رژیم خونخوار و سرسپرد شیوخ سعودی را پیرو قرآن می نامند. از این جریانها ناخبر نیستند؟

واقعیت آن است که این مرجعین از ترس جمهوری اسلامی در دامان آمریکا و ارباب جنایتکارش افتاده از ترس جن جنی که باطل پناه برده اند.

حکومت نظامی پاکستان از طرفی جلوی ورود انسان دوستانی را که برای کمک به برادران و خواهران خود عازم ایران میشوند میگیرند و از طرف دیگر بر اساس ماهیت منافقانه اش، به ایران آمده و تقاضای صلح و آتش بس کرده و بعد سراغ صدام و سپس پسوی اربابش کارتری روانه میشود تا خوش رقصی خود را اثبات نماید...

خوش بود گر محک تجربه آید بیین تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

این تجربیات از طرفی ماهیت پلید حکومتی که در پاکستان و عربستان و اردن و... ثابت کرده و از طرف دیگر چهره کثیف مرجعین وابسته داخلی را می نمایاند که بدروغ می خواهند حکومتی فوق را اسلامی قلمداد کنند ولی مردم مسلمان و مبارز ایران با رهبران انقلاب بیامنی چندباره بسته اند تا در برابر صدام مزدور و هر کسی و هر حکومتی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از این دیوانه دفاع کند، قاطعانه مقاومت کنند تا پایه های لرزان حکومت این مزدوران را ویران کرده و به زیاده دان تاریخ روانه شان سازند.

جنگ ایران و...

بقیه از صفحه ۱

دیگر جنگ دولت عراق علیه ملت خودش است.

آیتاله دکتر بهشتی سپس به این پرسش پاسخ داد که: «بسیا توجه به شکست امپریالیسم آمریکا در برهه انداختن جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه ایران، و اینکه امپریالیسم آمریکا بازم به توطئه های دیگر برای از پای در آوردن انقلاب دست خواهد زد، چه اقدامات موثری باید برای مقابله با این توطئه در عرصه های داخلی و خارجی به مورد اجرا گذاشت.» وی ضمن اشاره به لزوم ارائه برنامه های درازمدت برای نوسازی اقتصادی اجتماعی ایران گفت:

در زمینه داخلی همه ما باید بگوئیم برنامه ها و سازماندهی های لازم برای حل مشکلات روزمره کشور بهتر و بیشتر باشد و همچنین برنامه های درازمدت را هر چه سریعتر آغاز کنیم. الان دولت دولتی است متکی به مجلس، دیگر دولت موقت نیست. این دولت باید با استفاده از کارشناسان و مطلقان دلسوز چه در سطح وزارتخانه ها چه در میان خود مردم، برنامه های درازمدت اجتماعی، اقتصادی و اقتصادی کشور را مشخص کند و کارها را بر روی جریان اصل و دامنه دار قرار گیرد. فکر می کنم این مهمترین قدم باشد.

دکتر بهشتی همچنین افزود: «از نظر دستگاه قضایی ما همواره می گوئیم که نظام قضایی اساسی را گسترش دهیم و اقداماتی که در این زمینه کردیم نسبت به زمان برای ما خوشحال کننده است. علاوه بر این باید ملتمان را به اندازه کافی در جریان همه امور قرار دهیم و توضیحات لازم به ملت داده شود که ملت آگاهی لازم را داشته باشد تا در برخورد با همه سم پاشی ها، شایعه ها، دروغ پردازیها

و خبررسانی های دشمن مصونیت پیدا کند»

وی خاطر نشان ساخت: در سطح مدیریت کشور، هماهنگی و انسجام باید روز بروز بیشتر شود. خوشبختانه زمینه چنین اقداماتی فراهم است. وی آنگاه در توضیح زمینه های فوق گفت:

از آنجا که اکثریت نمایندگان در قوه مقننه، دولت، هیئت دولت، نخست وزیر و وزرا، قوه قضائیه، اینها همه مومن به همین خط اصلاح انقلاب هستند، باید به ملت بگوئیم که در میان این نهادها هیچگونه اختلاف ناراحت کننده ای وجود ندارد.

دکتر بهشتی در مورد سیاست خارجی گفت:

در زمینه سیاست خارجی باید فعالتر از این باشیم. چون وزارت خارجه مسئول ندارد و برنامه کاملی را نمی تواند دنبال کند، راه حل های دیگری وجود دارد. برای این کار از جمله می بینیم که نمایندگان مردم در مجلس فعالانه در این زمینه کاری را به عهده گرفتند که در سطح کشورهای مختلف فعالیت سیاسی خارجی ما بهتر باشد. و اصول کلی سیاست خارجی را نخست وزیر و هیئت دولت تعیین می کند نه وزیر خارجه. و باز مجلس معین می کند. بنابراین حتی نبودن وزیر خارجه نمی تواند مانع اساسی برای داشتن برنامه های روشن برای سیاست خارجی باشد.

آیتاله دکتر بهشتی در مورد علت سفر هیئتی از نمایندگان ایران به کشورهای منطقه گفت: طبیعی است که مناسبات میان این کشورها با انقلابیون ایران و علاقه ای که آنها به پیروزی انقلاب ایران از خودشان نشان می دهند، خود بخود زمینه یک چنین تصمیمی بوده است ولی افزایش رفت و آمدهای سازنده میان این دوستان، بی شک به یقوت این زمینه ها کمک می کند و چنین نتیجه هایی را هم دنبال دارد.

در دفاع...

بقیه از صفحه ۱

که اگر این کار با چشم باز انجام گیرد. این دیگر واقعیتی است و همه آشکارا می بینند که امروز همه مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - از بقایای طبقات غارتگر طاغوتی گرفته تا عمال مکتم و نیمه مکتموف آمریکا، از ساواکیهای نقابدار گرفته تا مافوقیستهای تروتسکیستهای آوارشیستها و انواع «تربچه های یوک» از کسانی که میخواهند قصاص پدر تاجداران و عمال معدوم وی را از حکومت انقلاب بگیرند، تا وازدگان و برکنارشدگان ضد انقلاب آری، همه دشمنان و مخالفان رنگارنگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، لیبرالها را به پرچم مبارزه علیه تداوم و تعمیم انقلاب و به وسیله پوشش و استتار اعمال ضد انقلابی خود مبدل کرده اند. بلندگوئی بهتر از لیبرالها را از کجا بیاورند، که آنچه خرد جرئت بیانش را ندارند، اینان چون سیل جاری میسازند!

تاثر ما از تجمع ضد انقلابیون نیست، بلکه از افتادن بخشی از انقلابیون - ولو بصورت نسبی و محدود در دام ضد انقلاب است. آنچه تاریخ و انقلاب در انتظارش بوده و هست، اینست که: در این مرحله بسیار حساس و پر مسئولیت، که تشخیص راه درست موجب افتخار ابدی و افتادن در پرتگاه اشتباه و یا خیانت، سبب محکومیت تاریخی خواهد شد، همه نیروها و کسانی که نشانی از خلق دارند و نامی از انقلاب و مبارزه در راه توده های محروم بر خود نهاده اند، در سنگر انقلاب برای دفاع از انقلاب قرار گیرند.

در حالی که انقلاب ایران برهبری امام خمینی، در معرض کینه دشمنانه بقایای طبقات طاغوتی و نمایندگان داخلی و حامیان خارجی آنها قرار گرفته و لیبرالیسم به پرچم این کینه ضد انقلابی مبدل گشته است، حق اینست که هر کس که مدافع انقلاب است، در جبهه دفاع از انقلاب قرار گیرد. حق اینست که همه نیروهای با فضل و حتی بقره انقلابی در سمتی قرار گیرند که همه نیروهای صدیق مدافع انقلاب برهبری امام خمینی در آن قرار گرفته اند. بی آنکه از گروهی و یا کسی نام ببریم، لازم میدانیم هشدار دهیم که خطر گمراه شدن بخشی از نیروهای انقلابی بسوی جبهه لیبرالها وجود دارد. قسمت اعظم و شکننده نیروهای انقلابی در صف مدافعان انقلاب برهبری امام خمینی اتحاد خود را هر چه مستحکمتر میسازند و همین نیرو است که، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، چه در مسائل داخلی و چه خارجی، کشور انقلابی ما را به موقعیتها و پیروزیهای قابل تحسین رسانده است. ولی موجب تأسف و نگرانی است که بخشی از نیروهای انقلابی - چه بخواهند و چه نخواهند دارند با لیبرالها هم آراز میشوند، که این نه با سوابق و اندیشه ها و نه با کفایت خود آنها مطابقت دارد. این کار - چه بخواهند و چه نخواهند - بزیران انقلاب و بسود نیروهایی است که میکوشند انقلاب را در نیمه راه ناکام و جوانمردگ کنند. برای این کار دلایل گوناگونی ارائه میشود و در مرکز همه آن دلایل، شکایت از فقدان آزادی و نگرانی از نقض قانون و گلاویه از «قشریت و انحصارطلبی» قرار دارد. ما که این بحث را با این دوستان گشوده ایم،

بهیچوجه مدعی این نیستیم که شکایتها و نگرانیها و گلاویه های آنها بی اساس است. در ایران انقلابی ما، که پس از هزاران سال اسارت و یک بحران مرگ، بتازگی گام در راه استقلال و آزادی و ترقی و برابری نهاده است و تا دوران مدیدی با عواقب مادی و معنوی آن اسارت قرون و اعصار و پدیده های اجتناب پذیر دوران گذار به قوسازی انقلابی جامعه روبرو خواهد بود، بروز کمبودها و نارسائیها و اشتباهات و ندانم کاریها - گرچه مقبول و مطبوع نیست ولی غیر طبیعی نیست. سؤال اینست که پس چه باید کرد؟ آیا دلیل اینکه در جبهه نیروهای انقلاب و حکومت انقلاب اینجا و یا آنجا نقض میشود و یا آزادی محدود میگردد و یا کمبود و نرسائی و اشتباه و ندانم کاری دیده میشود و یا افزودن نرسائی و انحصارطلب وجود دارند، باید از جبهه انقلاب پرید و موجودی خود را روی موجودی ضد انقلاب ریخت و یا در میان انقلاب و ضد انقلاب حالت تردید و نوسان بخود گرفت و عملاً از حیز انتفاع جبهه انقلاب خارج شد؟ آیا رواست که یک گروه و یا سازمان و یا شخصیت انقلابی، سالین متعادی در راه پیروزی انقلاب مبارزه کرده، قربانیها داده و رنجها کشیده، امروز بعنوان اعتراض به این پدیده های ناسالم و منفی، عملاً به مخالفان انقلاب و حتی دشمنان انقلاب بپیوندند و یا بطور غیر مستقیم آب به آسیاب آنان بریزند؟ باید در انقلاب، عمده را از غیر عمده تشخیص داد و در سنگر دفاع از آنچه عمده و اصلی و تعیین کننده است، ایستاد. باید برای از بین بردن پدیده های ناسالم و فرعی مبارزه کرد، ولی افتادن در دام مسائل فرعی، غیر عمده و تابع و فراموش

کردن اصل عمده تعیین کننده، نه سزاوار آدم انقلابی است و نه با مدعای مبارز بودن مطابقت دارد. در اینجا نیز آنچه عمده است، دفاع از انقلاب است و هر موضع و عملی غیر از این، به مسئله عمده زیان میرساند. آزادی نعمت بزرگ و بیمانندی است. ولی انواع طبقه ای دارد. آن آزادی مقبول است که به استقلال میسر و به آزادی زحمتکش از استثمار و استثمار خدمت کند. حال اگر کسی، علیرغم بیعت صادقانه اش، در گرد و خاکی که لیبرالها برای انداختن او - خواسته یا ناخواسته - مسحور شمار «آزادی» مطلوب لیبرالها شود، در راه خواست آزادی برای مخالفان استقلال و آزادی واقعی، یعنی طرفداران بازگشت به اسارت امپریالیسم، بازگشت به سلطه سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی، بازگشت به رژیم ترور و اختناق ناشی از سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی گام نهاده است. باید برای آزادیهای فردی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تمام نیرو مبارزه کرد، باید با نقض امنیت قضایی و قانونیت با تمام قوا مقابله کرد؛ ولی در این مبارزه، لحظه ای نباید در کنار لیبرالها قرار گرفت، زیرا اگر شعار «ایوای آزادی» لیبرالها، یعنی مدافعان سرمایه داری در داخل و سازش با امپریالیسم در خارج، پیروز شود، از استقلال و آزادی برای خلق محروم و ستمدیده و نیروهای انقلابی اثری نخواهد ماند و انقلاب نابود خواهد شد. در دفاع از آزادی، در دام لیبرالیسم نیفتیم. این هشدار ماست.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ضد انقلاب زمینه توپخانه وسیعی را در سیستان و بلوچستان آماده می کند

ردپای شاپور بختیار در سیستان و بلوچستان دیده شد. خان‌ها، ساواکی‌ها، مائوئیست‌ها و سران جمعیت‌های افغانی با کمک سازمان امنیت پاکستان فعالیت خود را در سیستان و بلوچستان به نحو بیسابقه‌ای گسترش داده‌اند.

اشرار درآمده‌اند، ارتباط دارند... ما انتظار همه‌گونه ضربه خوردن از اینها را داریم

آخرین اخبار رسیده صحت نظریات استاندار و فرمانده سپاه پاسداران را تأیید می‌کند و خبر از گسترش فعالیت امپریالیسم و ایادی داخلی می‌کند. در مهرماه گذشته یک پلیس‌عربستان سعودی بنام عبدالعزیز مدو، فرزند رضا که با لباس بلوچی از مرز پاکستان با کمک سازمان امنیت پاکستان برای جاسوسی به سیستان آمده بود دستگیر شد.

اخبار رسیده همچنین حاکی است که ضدانقلاب با استفاده از سنم، بودن اکثریت مردم سیستان و بلوچستان به تبلیغات گسترده‌ای دست زده تا با برافراختن اختلاف بین شیعیان و مردم سنی استان و تبلیغ این دروغ که در جمهوری اسلامی ایران هیچ حقی برای مردم سنی قائل نیستند آتش جنگ سنی و شیعی را برافروزد. عامل اصلی این تبلیغات خان‌ها، ساواکی‌ها و بویژه روحانی‌نمایان ساواکی هستند که متأسفانه هنوز افتضاء نشده‌اند. از جمله کسانی که شهادت در این زمینه فعالیت دارد «خسرو ریگی» یکی از خان‌های استان است که بعلت عضویت در ساواک اعتبارنامه او در مجلس رد شد.

زمینه دیگری که با استفاده از آن تحریکات وسیعی انجام میگردد مسئله ملی است. امپریالیسم وظیفه تبلیغات با استفاده از

ضدانقلاب فعالیت خود را در سیستان و بلوچستان گسترش داده و تلاش وسیعی از جانب محافل وابسته به امپریالیسم با کمک همسایگان مرتجع برای به آشوب کشیدن این استان انجام میشود. براساس اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان، خان‌ها، فئودالها، ساواکی‌ها و سران جمعیت‌های افغانی با کمک جاسوسان عربستان سعودی و سازمان امنیت و جاسوسی پاکستان (سی-آی-دی) دامنه فعالیت خود را گسترش داده‌اند.

استاندار سیستان و بلوچستان پس از ملاقات با امام خمینی گفت: «استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کرده تا برنامه‌ای در این منطقه اجرا کند» (جمهوری اسلامی - آذر). آقای محمدی همچنین گفت: «آن چیزی که در بلوچستان تا اندازه‌ای مسئله‌ای بنام عدم امنیت بوجود آورده وجود اشرار و ضدانقلابیون است» (همانجا)

استاندار سیستان و بلوچستان همچنین در مصاحبه‌ای با تلویزیون استان در تاریخ ۱۸/۷/۱۳۵۹ بعد از شهادت ۱۱ پرسنل ژاندارمری توسط اشرار گفت:

«دشمن ما اینقدر ضعیف و زبون است که هیچوقت از روبرو با ما مواجه نمیشود و عملیاتی بصورت شرارت، بستن جاده، کشتن برادران پاسدار یا ژاندارمری و یا راندگان تانکر و کامیون صورت می‌گیرد»

استاندار افزود: «ما این را یک مسئله کوچکی تلقی نمی‌کنیم. من مطمئن هستم و یقیناً با اطلاعاتی که در اختیار دارم می‌دانم این یک جزئی از برنامه کلی ضدانقلاب خارجی و داخلی است و مخصوصاً در این شرایط که سعی می‌کنند سر ما را در جای دیگری هم گرم نگه دارند، در این بین که دولت بعثی جنایتکار عراق در غرب مشغول قلع‌وقمع است و بر روی مردم بی‌دفاع و بی‌گناه بمب می‌ریزد، اینجا هم ایادی آنها، ایادی آمریکا، آن کسانی که منافقان در منطقه بخطر افتاده و مخصوصاً برای اطلاع شما عرض بکنم که ما رد پای بختیار را هم در این طرف دیدیم.»

در همین مصاحبه فرمانده سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان گفت: «کسانی که از انقلاب ضربه خورده‌اند، فئودالهای بزرگ این منطقه، خان‌ها، سرمایه‌دارها که در ارتباط با خارج هستند و بصورت

مسئله ملی را به مائوئیست‌ها و در راس آنها «پیکار» سپرده است. همانطور که در چند شماره پیش نامه «مردم» افشا کردیم، مائوئیست‌ها که اخیراً چندتن از کادرهای رهبری خود را هم به سیستان و بلوچستان برده‌اند به نحو بیسابقه‌ای برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به تبلیغ پرداخته‌اند. آنها با پخش هزاران پوستر و عکس از وقایع کردستان چنین تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران بعد از کشتار خلق سنی کردستان به سراغ خلق سنی سیستان و بلوچستان خواهد آمد! آنها جمهوری اسلامی ایران را عامل امپریالیسم می‌خوانند. از مردم میخواهند برای سرنگونی آن مسلح شوند. در این زمینه «رزمندگان»، «اقلیت چریک‌ها»، «توفان»، «رنجبران»، «چریک‌های اشرف دهقان» و دیگر تریچه‌های پوک آمریکایی با «پیکار» همکاری فعال دارند. در جوار این تبلیغات وظیفه عمده‌ای هم به رهبران آمریکایی جمعیت‌های افغانی سپرده شده است. در راس این جمعیت‌ها «برهان» الدین ربانی، رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، به فعالیت مشغول است. باوجود اینکه تابستان گذشته دادستان انقلاب مشهد رسماً این جمعیت را بعلت جاسوسی به سود آمریکا منحل اعلام کرده، دفاتر آن را بست و «برهان‌الدین ربانی» را تحت تعقیب قرار داد؛ این فئودال جاسوس آمریکایی آزادانه به فعالیت خود ادامه میدهد. او مرکز فعالیت خود را به زاهدان منتقل کرده و با هماهنگی دیگر سازمانهای افغانی که همگی در زاهدان دفاتر علنی و غیرعلنی دارند آزادانه به پاکستان و همچنین نقاط مختلف ایران رفت و آمد می‌کند. برهان‌الدین ربانی که از طرف دادستان انقلاب استان خراسان تحت تعقیب است، در استان مجاور آن، یعنی سیستان و بلوچستان آزادانه سخنرانی می‌کند. او از جمله روز ۱۹ مهرماه گذشته بعد از بازگشت از تبران در مسجد جامع زاهدان سخنرانی کرد. براساس اخبار رسیده برهان‌الدین ربانی زیر پوشش «اسلام» جاسوسان پاکستانی را به نقاط مختلف کشور می‌برد.

ما بار دیگر، ضمن افشای فعالیت گسترده ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان، به مسئولان کشور هشدار می‌دهیم: امپریالیسم آمریکا زمینه توطئه وسیعی را در سیستان و بلوچستان تدارک دیده است. باید با تمام نیرو آماده بود و این توطئه را خنثی کرد.

برای ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در هند: برتری طلبان چین شورشیان هندی را مسلح می‌کنند و آموزش نظامی می‌دهند

روزنامه «پاتریوت» چاپ دهلی‌نو، ضمن انتشار گزارش مشروحی درباره کمک چین به «تجزیه‌طلبان» در شمال شرقی هند نوشت: «اخیراً پانصدتن از اعضای یک سازمان زیرزمینی، که برای ایجاد یک «کشور مستقل» در ایالت ماگالاند تلاش می‌کنند، برای آموزش نظامی به چین رفته‌اند».

روزنامه پاتریوت می‌افزاید: «دلایل و شواهد غیرقابل انکاری نشان می‌دهد که اخیراً گروه‌های تجزیه‌طلب مقادیر زیادی سلاح از چین دریافت کرده‌اند و در ایالت‌های مرزی هند و چین، از جمله در تبت، تجزیه‌طلبان هندی آموزش می‌بینند. این افراد وظیفه دارند که به آشوب و بی‌ثباتی در ایالت‌های شمال شرقی کشور دامن بزنند».

پاتریوت همچنین گزارش داد: «پاکستان و چین همچنین حضور نظامی خود را در مرزهای هند افزایش می‌دهند و چین موشک‌های تا برد ۱۵۰۰ مایل در مرز هند مستقر کرده است».

توصیه سفارت آمریکا به رسانه‌های گروهی پاکستان: در پاره «مبارزان افغانی» تا می‌توانید داستان سرائی کنید!

گزارشهای رسیده از پاکستان نشان میدهد که همزمان با مخالفت روزافزون مردم نواحی مرزی این کشور با ادامه فعالیت‌های پایگاه‌های نظامی مزدوران افغانی در خاک پاکستان، رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق، بعد از «مشورت» با سفارت آمریکا، بخشنامه‌ای به رسانه‌های گروهی کشور، که همگی تحت کنترل شدید چکمه‌پوشان رژیم قرار دارند، صادر کرده و در آن «توصیه» کرده است که هرچه بیشتر درباره باصلاح فتوحات «مبارزان افغانی» سر و صدا برآوردند. چند روزنامه زبانی ضمن انتشار این گزارش یادآور شده‌اند که بویژه داستان‌هایی درباره قتل‌عام در افغانستان می‌بایست منتشر شود.

سفارت آمریکا در پاکستان در پی دیدار اخیر چند عضو کنگره آمریکا از اسلام‌آباد، نقش مهمتری در هدایت رسانه‌های گروهی پاکستان، بویژه در جریانات مربوط به افغانستان، بعهده گرفته است.

از جانب رهبران موزامبیک و شوروی ضرورت گسترش روند تشنج‌زدائی در تمام جهان مورد تأکید قرار گرفت

در پایان دیدار رسمی سامورا ماشل رهبر موزامبیک از اتحاد شوروی، اعلامیه مشترکی انتشار یافت. در این اعلامیه دو کشور به ضرورت گسترش روند تشنج‌زدائی در تمام جهان، از جمله آفریقا اشاره کرده‌اند. دو کشور یادآور شدند که مقصود برای تبدیل آفریقا به منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای مبارزه کنند. اتحاد شوروی و موزامبیک از تمام کشورهای حوزه اقیانوس هند برای تبدیل این منطقه به منطقه صلح و امنیت حمایت کردند.

تلاش کشورهای سوسیالیستی برای نتیجه بخش کردن کنفرانس همکاری و امنیت اروپا

هیئت‌های نمایندگی کشورهای سوسیالیستی در کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در مادرید، به تلاش‌های گسترده‌ای دست زدند، تا این کنفرانس امیدهای مردم‌جهان را برآورده سازد. کشورهای سوسیالیستی خواستار بخش‌های سازنده درباره مهمترین مشکلات زمان حاضر و بالاتر از همه درباره مسائلی چون امنیت و همکاری اروپا، خلع‌سلاح و تحکیم تشنج‌زدائی هستند. این کشورها درباره خطر تبدیل کنفرانس مادرید به محل مقابله سیاسی هشدار می‌دهند.

ماریان دوبرولسکی، نماینده لهستان، گفت:

«اروپا خانه ما است که در آن، چه بخواهیم و چه نخواهیم، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنیم. بنابراین لازم است اساسی شالوده این خانه، از طریق سیاسی تحکیم شود و روند تشنج‌زدائی تقویت گردد.»

افزایش تورم و بیکاری در کشورهای بازار مشترک اروپا

اداره آمار بازار مشترک اعلام کرد که در ظرف یکسال، شمار بیکاران در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا ۲۰٪ افزایش یافته است. اکنون بطور رسمی هفت میلیون و چهارصد هزار نفر بیکار در کشورهای این بازار وجود دارد. اما گفته می‌شود که شمار غیررسمی بیکاران بسیار بیشتر از این رقم است. اوضاع بویژه در انگلستان و دانمارک وخیم است. بیکاری بویژه در میان جوانان ابعاد فاجعه‌آمیزی بخود گرفته است. از سوی دیگر، نرخ تورم در کشورهای بازار مشترک همچنان رو به افزایش است.

رویدادهای جهان

بیانیه کنگره عمومی خلق عرب: قرارداد دوستی اتحاد شوروی و سوریه مرحله کیفی جدیدی در گسترش روابط جنبش آزادیبخش عرب در کشورهای سوسیالیستی است

دبیرخانه کنگره عمومی خلق عرب، در بیانیه‌ای که در پایتخت لیبی، طرابلس، انتشار یافت، معاهده دوستی و همکاری اتحاد شوروی و جمهوری عربی سوریه را قویاً مورد تأیید و استقبال قرار داد. در بیانیه از جمله گفته می‌شود: «معاهده دو کشور تحکیم وحدت نیروهای ترقیخواه عرب را در مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و برای صلح، آزادی و استقلال اعراب، ارتقاء می‌دهد.» در قسمت دیگر این بیانیه خاطر نشان شده است:

یک روزنامه آمریکایی گزارش داد: روند عادی شدن اوضاع در افغانستان، علیرغم مداخله خارجی و جنایت و خرابکاری، ادامه دارد

شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، بار دیگر از کشور-های همسایه خواست تا گفت و شنود را با افغانستان پیرامون عادی شدن روابط آغاز کنند. وی گفت: «مذاکرات دوجانبه تنها راه حل مسائلی است که در اطراف افغانستان وجود آمده است.» شاه محمد دوست افزود: «پایان مداخله در امور داخلی افغانستان شرایط لازم را برای خروج نیروهای شوروی از خاک کشور فراهم می‌کند. افغانستان قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد را، که زیر فشار آمریکا و یکن به تصویب رسیده، رد می‌کند، زیرا در این قطعنامه اوضاع افغانستان تحریف شده است و این رای به منزله مداخله در امور داخلی کشور است.» از سوی دیگر، سردبیر نشریه آمریکایی «ورلد پوپر» اعلام کرد: «روند عادی شدن اوضاع در افغانستان، علیرغم مداخله خارجی و جنایت و خرابکاری، ادامه دارد. دولت افغانستان برنامه‌های گسترده‌ای را برای بهبود زندگی مردم آغاز کرده است.» این روزنامه‌نگار آمریکایی می‌نویسد: «مردم افغانستان برای کمک اتحاد شوروی ارزش فراوان قائلند و تبلیغات رسانه‌های گروهی امپریالیستی در مورد افغانستان بر اساس است.»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلقی باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 380
27 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران